

گرفته بودند حالا هم خودشان تشریف دارند
 ذوق میکنند
نایب رئیس - تحقیق و اصلاح میشود
 آقای مدیر الملک
مدیر الملک - قبل از دستور
 عرض دارم
نایب رئیس - آقای ملک الشیرازی
ملک الشیرازی - قبل از دستور
نایب رئیس - آقای میرزایده الله خان
میرزایده الله خان - قبل از دستور
نایب رئیس - در صورت جلسه مخالفی
 نیست؟
آقای سید یعقوب - بنده عرض دارم
نایب رئیس - بفرمائید
آقای سید یعقوب - آقای وزیر فواید
 نامه در جواب آقای کی استوان راجع به
 قضیه هفت هزار یوطا را با یک عبارتی ذکر
 کردند که در صورت مجلس نوشته نشده غیر
 از اینکه فرمودند بوزارت فواید نامه اطلاعی
 نرسیده است و دولت هم اجازه نداده است یک
 عبارتی هم فرمودند
 که در این باب جواب داده نمی شود
 (در تحت این عبارت یک بیانی کردند و چون
 این عبارت اهمیت دارد خواستم تذکر
 بدهم
نایب رئیس - مراجع خواهد شد
جمعی از نمایندگان - وارد
 دستور بشویم
نایب رئیس وارد دستور میشود
قدین - بنده با ورود در دستور
 مخالف
نایب رئیس بفرمائید
قدین - علاوه بر اینکه صحبت کردن
 قبل از دستور یک حق اصلی است از برای
 هر کس که در مجلس هم مخصوصاً رأی داده است
 که هر نماینده قبل از دستور و بعد از دستور
 می تواند صحبت کند
 و حتی چندی قبل مخصوصاً خود بنده
 پیشنهاد کردم تا چهار ماه در مجلس
 مذاکرات قبل از دستور ممنوع باشد همین
 مجلس با اکثریت رد کرد و اکنون اکثریت
 مجلس نمی تواند حق یک وکیل را از بین
 ببرد و بر طبق رأی که عرض داده است
 وکیل حق دارد حرف بزند
بعضی از نمایندگان - رأی
 بگیری
قدین رأی صحیح نیست
نایب رئیس - مجلس البته میتواند
 در هر موطن دستور خود را تغییر دهد
 رأی بگیری هم برای ورود در دستور
 آقایانیکه موافقت قیام فرمائید
 (اغلب قیام نمودند)
نایب رئیس تصویب شد
 آقای حاج سید المعقین پیشنهاد
 کرده اند دوسه فقره لوائح مختصر راجع به
 کیسیون بودجه قبل مطرح شود

آقای سید یعقوب - بنده مخالف
 (پیشنهاد آقای حاج سید المعقین
 اینطور فرمات شد)
 تقاضا دارم لوائح راجع به بودجه هم
 مجدداً اشرف و مستشار دفتر و میرزا
 یوسف خان عضو تجدیدگیلان و عبد
 الحمود فلاح در این جلسه در درجه اول جزو
 دستور باشد
حاج سید المعقین - این لوائحی
 را که بنده پیشنهاد کرده ام لوائح مختصری
 است و راجع بوزارت چند نفری است که
 مستخدم دولت بوده اند و خیلی هم
 مستأصل و بریشانند
 بنده در این صفت نیستم مالک و رعیت هم هر دو
 برادر من هستم و فرقی برای من نمی کند
 و نیم و هجده تومان
 این است که بنده تقاضا دارم امروز
 قبل از دستوری که تعیین شد این چند نفر
 تصویب شود و بعد وارد دستور شویم
نایب رئیس - آقای داود
 (اجازه)
داود - بنده در اصل قضیه مخالف
 نیستم ولی تصور میکنم وقتی که مجلس رأی
 داد وارد دستور بشود و مقصود آن دستوری
 است که قبلاً معین شده و آن قانون میزبانی
 است که زودتر باید تکلیف معین شود
 و معتقدم که عجلتاً خود آقای حاج سید -
 المعقین پیشنهاد ایشان را مسکوت عنه
 بگذارند تا قانون میزبانی که جزو دستور
 بوده است مطرح شود بعد این خبرها جزو
 دستور شود
حاج سید المعقین - اجازه می-
 فرمائید؟
نایب رئیس - اجازه نانی نمی شود
 پیشنهادتان را مسترد میکنم؟
حاج سید المعقین - عجلتاً
 مسترد می کنم تا به از تنفس مطرح
 شود
نایب رئیس - مذاکرات در کلیات
 قانون میزبانی است
 آقای حائری زاده
 (اجازه)
حائری زاده - بنده خیلی متأسلم
 که مجلس این یکی دوساعتی که مشغول کار
 می شود یک کار را مرتباً تعقیب نمیکند که
 موافق و مخالف حرفهایشان را در عقب یک
 دیگر واقع شود و بتواند جواب اعتراضات
 را کاملاً بدهند
 در جلسه سابق من در دست نظر نیست
 که فرمایشات آقای شیروانی چه بود همین
 اندازه دوسه فرمایش که خیلی تند و تند بود
 در زحمتم نگاه داشتم
 یکی این بود که فرمودند چرا مخالفت
 می کنید مگر نمیخواهد اصلاحات بشود
 مگر نمیخواهد میزبانی بشود
 بدیهی است بابک اصول کلی هیچ
 کس مخالف نیست

بین آن ملاکی که زراعت دیم دارد یا
 املاکی که رود آب یا قنات آب است
 بدیهی است برای رودخانه سرخانه
 خرج نشده است
 رودخانه یک منبع خدادادی است
 ولی قنات برایش یک گرور خرچ شده است
 و تقدیم کردم ولی با طرز این لایحه که
 تنظیم شده است و مخالف چون یک طرزی
 است که میتوان گفت برای رد کردن
 تنظیم شده است طرزی نیست که قابل
 قبول باشد
 بنده هم در صفت ملاکین نیستم که
 هوشان میکنند بر ضد منافع رعایا قیام میکنند
 و چه وجه میکنند
 بنده در این صفت نیستم مالک و رعیت هم هر دو
 برادر من هستم و فرقی برای من نمی کند
 ولی بالوایی که اصول متناسبی نداشته باشد
 نمی توانم موافقت کنم چون بعضی از
 از آقایان در مجلس سابق نبودند اینست که
 بنده تاریخ قانون میزبانی را خدمت آقایان عرض
 میکنم تا مطلع بشوند
 در مجلس چهارم که دنباله یک فقرت
 طولانی بود شکایات زیادی از بی ترتیبی
 مالیات رسیدن کیسیون عرایض هم حسب
 معمول دولت و وزارت مالیه مراجع میگردد
 دور هم میگفت چون قانونی در این باب
 نیست عجلتاً همان جزو جمع قدیم معمول
 است و چون این قانون قانع کننده نبود
 کیسیون عرایض هم مسئله را تعقیب می-
 کرد
 (بنده هم آن وقت عضو کیسیون عرایض
 بودم)
 و آقای مصدق السلطنه آن وقت
 وزیر مالیه بودند رفتند لایحه تنظیم کردند
 و آوردند در مجلس که بعقیده بنده آن
 لایحه از بهترین لوائحی است که بعد از
 آن مجلس آمده و از آن کیسیون در آمده
 است
 چندی این لایحه در کیسیون مطرح
 بود تا دولت قوام السلطنه رفت و دولت آقای
 مشیرالدوله آمد روی کار و وزیر مالیه جدید
 (آقای مدیر الملک) باز لایحه را درش یک
 نظری کردند و آوردند در مجلس این دولت
 هم رفت و دولت ثانی قوام السلطنه آمد و
 فہم الملک وزیر مالیه با موافقت نظر مستخدمین
 امریکائی یک لایحه تنظیم کرد و آورد به
 مجلس ولی اصول این سه لایحه یکی بود که
 مالیات را از عایدات مالک خمس باعشرا
 بیشتر یا کمتر مطالبه نمایند و این لوائح در
 روی این پایه گذاشته شده بود که مخارج
 زراعتی را که بدو آب و غیره باشند موضوع
 کنند آنچه را هم که زارع میبرد موضوع
 کنند
 و این قانون را یک قانون امتحانی
 میخواستند بنویسند خلاصه آن را برای
 عرض کردم که پایه مالیات را روی عایدات
 مالک گذاشته بود آمد مجلس و یک کشور
 هم شد امریکائی ها برای اینکه اصلاحات
 کافی نداشتند

بوسیله آقای ذکا الملک وزیر مالیه
 وقت آن لایحه را استرداد کردند و یکی
 آن لوائحی که دولت های وقت آورده
 بودند از نظر رفت
 دولت هم بدیهی است هر کاری که
 برایش آسان تر باشد آنرا می خواهد
 تعقیب کند خصوصاً امریکائی ها که اطلاعات
 کافی ندارند و وزیر اعظم خودشان را مکلف
 میکنند که یک راه عملی به آنها نشان
 بدهند و آنها هم یک راه سهل و ساده را
 میخواستند تعقیب کنند که از خرمی که
 توی بیابان ریخته است
 هوایی بردارند البته این خیلی سهل
 و آسان است
 ولی اصولاً این حرف غلط است برای
 اینکه یک خرم ممکن است یک دفعه نصفش
 مخارج ایجاد شده باشد
 یک وقت ممکن است هشرش یک
 وقت هم ممکن است نلش (بعضی از نمایندگان
 گان صحیح است) بنا بر این اگر از خرم
 خواسته باشیم برادریم تفاوت گذاشته ایم
 بین مالکین یک ملک که صد خروار
 وارد انبار مالکش می شود
 با آن ملک که صد خروار وارد
 انبار می شود و ما می خواهیم یک طور از
 مالیات بگیریم و این اصولاً بی تناسب است
 و بنده مخالفم از این نقطه نظر است
 اما اشکالی را که دولت می کند و می
 خواهد سهولت کار را در نظر بگیرد
 بنده وقتی مراجعه می کنم بقانون
 مستغلات می بینم
 تعیین عایدات مستغلات خیلی مشکل
 تر است تا تعیین عایدات یک ملک
 یک مغازه که من درش نشسته ام و فروش
 می کنم و ملک من است اگر خواسته باشند
 باید آن را تعیین کنند خیلی اشکالی یک
 ملک که من در او زراعت می کنم خرمنش
 ممکن است معلوم شود
 و چندان اشکالی ندارد در مستغلات
 نیم عشر عایدات مالک را همین مجلس تصویب
 کرده است
 دولت هم در این اجرا به منظوری
 بر نورد و تولید زحمتی هم برایش نشده است
 و یک ادارت عریض و طولی هم برایش
 درست نکرده است
 پس اگر چنانچه ما اصل مالیات را روی
 عایدات مالک یعنی آنچه که وارد خرمن
 مالک می شود قرار بدهیم از روی اجازه نامه
 هائی که دارند و آنچه هائی هم که اجازه
 نامه نیست املاک مجاور را ممکن است ز
 اخذ قرا بدهند
 همانطور که در میزبانی مستغلات هم
 پیش بینی شده بهتر خواهد بود و برای
 دولت هم تولید زحمت نمی کند و زراعت مالیه
 که ما دنبال داشته ایم خود را مکلف نمی
 دانسته اند که امریکائی ها را حالی نمایند
 اینها هم که تازه آمده اند و اطلاعات

کافی از اوضاع مملکت ندارند و من
 آنها را مقصر نمی دانم
 یک کسی از تنگی دنیا پاشده است
 آمده است اینجا
 مملکت ما هیچ شباهت قسمت دنیا ندارد
 و باید آنها را راهنمایی نمایند ولی ما تمام در
 سر قضایای خصوصی با آنها داخل مذاکره
 می شویم
 یکی می گوید بیا یک فکری برای
 ملک من بکن آنها هم می فرستند و میزبانی
 می کنند و هر جا راهم که تا بحال رفته اند و
 میزبانی کرده اند بنده اند که برای دولت ضرر
 کرده است
 دلیلش هم واضح است برای اینکه بنده
 اگر ملک ملک ملک باشم که عایداتش بیش
 از عشر باشد تقاضای میزبانی نمی کنم
 و اگر کمتر از عشر باشد تقاضای
 میزبانی نمی کنم
 البته هر کسی تقاضای میزبانی کرده
 است عایداتش کمتر از عشر بوده است
 اینها هم بنده رفته اند و رفته اند میزبانی
 کرده اند
 در نتیجه عمل دیده اند ضرر دولت تمام
 شده
 دیگر متذکر این نیستند که مالکینی
 املاک کم مالیات نمی آیند تقاضای میزبانی
 میکنند
 (بعضی از نمایندگان - صحیح است)
 البته اگر قانون میزبانی را در تمام
 مملکت اجراء کنند بفع دولت تمام
 می شود
 مادر مالیات خرج را هم باید در نظر
 بگیریم و البته مالیاتی که بنده صدی پنجاه
 خرج وصول داشته باشد این مالیات بدرد
 مملکت نیخورد
 مالیات را باید یک شکلی وضع کنند
 که خرج وصولش از صد و صد دوازده
 تجاوز نکند
 اگر یک مراجعه بیودجه نمایم بیبینم
 خالص جاتی را که دولت اداره میکند و یک
 املاکی است که هنوز بدیگری منتقل نشده
 است و در تصرف دولت است
 خرج و دخلش را وقتی نگاه کنیم می
 متلاذخ خالص جات این مملکت را در
 سه حاضره تعیین کرده اند بیاض و پنجاه و
 شش هزار و نصد و شصت تومان
 خرجی که برای این خالص جات بیش
 بینی شده چهار صد و شصت و هفت هزار و
 شصت و کسری تومان است
 البته مالیاتی که پایه اش روی این ترتیب
 باشد ابتدا فایده ندارد و ضرر مملکت تمام
 می شود و هر روز باید ادارات مالیه برای
 میزبانی
 برای رفع اختلافات بین مالک و دولت
 یک شعب عریض و طولی درست کنند و
 اگر عایدات هم زیاد شود کفایت خرجی را

که آقایان در نظر میگیرند نخواهد داشت و
 این ترتیب بکلی باید لغو شود و بجایش یک
 ترتیب سهل الوصولی قرار داده شود
 و بعقیده من بهترین طرز هم همان طرز
 مالیات مستغلات است که از عایدات مالک نیم
 عشر بگیرند
 ممکن است اینجا یک عشر بگیرند
 ربع بگیرند
 خمس بگیرند
 بنده سر مقدارش اعتراض ندارم
 اعتراض من در طریقه وصول است و مخالفت
 من از این نقطه نظر است که طرزی که در
 این لایحه پیش بینی شده تولید یک دوا بر
 زیادی در وزارت مالیه میکند و عاقبت هم به
 ضرر مملکت تمام می شود
 یک معایب دیگری هم در این زایرت
 کیسیون هست که در لوائح دولت بنده
 ندیدم
 در لوائح دولت فرقی بین املاک
 یعنی بین املاک رود آب و قنات آب
 یک تفاوتی منظور داشته اند
 آن آبی که دست طبیعت دست خدائی
 جاری کرده با آن آبی که دست بشر جاری
 کرده
 زراعتی که پهلوئی این دو آب است نباید
 بر هر دو یک جور عوارضی تعلق بگیرد و باید
 دولت برای استهلاك سرمایه که یک قنات را
 جاری کرده است چیزی منظور ندارد تا
 اسباب تشویق مردم بشود و مردم میل به
 آبادی مملکت پیدا کنند
 ولی در راپورت کیسیون رود آب و
 قنات آب را مثل هم منظور داشته و این غلط
 است
 یک جمله دیگری که بعقیده بنده باید
 تعقیب شود حد نصاب است در حیوانات یک
 حد نصابی را مسترد شده اند
 یک گاو یک گوسفند یک الاغ و چند
 شتر ولی در زراعت هیچ حد نصاب منظور
 نشده است
 بنده از عایدات مجالس بیگانه خودمان
 بخودم حق میدهم که این جمله را عرض کنم
 در این مجالس غیر از مجلس اول هی شهریه
 و مستمری برای اشخاص تصویب شده دلیل و
 فلسفه هم که برایش قائل شده اند این بوده
 است
 که این خانواده فقیر است بدبخت است
 بی یاست چه است چه است و کمتر در مقابل
 خدمات بوده است بیشتر در مقابل حرفه بوده
 است
 در اینصورت یک خانواده زارعی که
 باید با یک جریب زمین امور معاش خودش
 را اداره کند و خرمن او بیشتر از یک خروار
 نمی شود
 اینرا بهمان فلسفه باید از پرداخت
 مالیات معاف کرد
 حالاً من نمیخواهم حمله دیانتی بکنم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
نایب رئیس - مذاکرات کافی است؟
شیردراز دامغانی - خیر کافی نیست
نایب رئیس - با کفایت مذاکرات
دامغانی - بلی
نایب رئیس - بفرمائید
دامغانی - دوسه موضوع است که اگر
 صحیحاً در آن اصلاحات شود البته اصلاحات

ولی در برقراری مالیاتهای دیانتی که زکوات
 باشد
 مامی بینیم که فلسفه داشته و یک حد
 نصابی قائل شده اند
 هم در انعام و هم در غلات اینها یک فلسفه
 داشته است
 ولی در لایحه دولت این مسئله بیش
 بینی نشده است در کیسیون هم بطریق
 اولی اینرا پیش بینی نکرده اند
 یکی هم راجع به زارع و مویشی است
 در قانون باید آنچه را که مردم با وانس
 گرفته اند و معنای هم نشان است آنرا منشاء
 و مأخذ قرار داد و آنها را در تحت یک اصول
 و مواردی در آورد و اسمش را قانون مملکتی
 گذاشت
 در عرایض جنوبی بنده از آقای
 سردار عشار تعقیب کردم که طریقه تقسیم
 مالیات ایلی چطور است
 فرمودند قاعده را که آنها در نظر
 دارند این است که اساس مالیات را روی
 بز معلوم میکند
 میگویند اگر برای بزرگ تران منظور
 می کنند برای پیش سی شاهی قائل
 می شویم
 برای اینکه میش یک ونیم بز است ماده
 گاو شش مقابل بز است و شش قران باید
 باشد
 الاغ شش قران
 شیر دوازده قران
 مادبان پانزده قران
 پانزده مقابل بز از شش مالیات می گیرند
 ولی در این لایحه خیلی بی تناسب نوشته
 شده
 بدیهی است که دولت میل داشته است
 یک نظاماتی برقرار کند کیسیون هم معینطور
 ولی از یک اشخاص مطلبی کسب اطلاع
 نکرده اند
 فقط حساب شهر را کرده اند در صورتی
 که بیدترین مالیات را باید عشار بندهند و
 از آنها هم باید کسب اطلاع نمایند که چه
 طریق این مالیات را وصول نمایند و همان
 طور در قانون تعیین نمایند
 تا در موقع اجرای قانون دچار زحمت
 شوند و تولید اشکالاتی نکنند و بنده بیشتر
 باین موضوع اهمیت می دهم و بیشتر از اینهم
 در دسترنیدم
بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
نایب رئیس - مذاکرات کافی است؟
شیردراز دامغانی - خیر کافی نیست
نایب رئیس - با کفایت مذاکرات
دامغانی - بلی
نایب رئیس - بفرمائید
دامغانی - دوسه موضوع است که اگر
 صحیحاً در آن اصلاحات شود البته اصلاحات

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
نایب رئیس - مذاکرات کافی است؟
شیردراز دامغانی - خیر کافی نیست
نایب رئیس - با کفایت مذاکرات
دامغانی - بلی
نایب رئیس - بفرمائید
دامغانی - دوسه موضوع است که اگر
 صحیحاً در آن اصلاحات شود البته اصلاحات

عمومی مملکت را تضمین خواهد بود؛ یکی لایحه میزبانی و یکی لایحه سرانجام گیری.

این دو لایحه بمقتضای بنده اساس اصلاحات مملکت است و بایستی در آنها مطالعات عمیقی کرد چنانچه در سابق هم عرض شد این دو قسمت با هم تقریباً آمیخته و در آن موقعی هم که این دو قسمت وضع شده است با هم وضع شده و کاملاً بهم مربوطند و باید در این خصوص خیلی دقت شود و موافق و مخالف حرفهایشان را بگویند تا مطلب روشن و واضح شود به مدد زمین شور در قانون هم پیشنهاداتی بدهند تا آنکار حاضر باشد

بگیرند.

فایده رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات.

آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد.

رئیس الوزرا در نتیجه حسن ظن و احساسات صمیمانه که از طرف عموم آقایان نمایندگان محترم نسبت به بنده مبذول شده بود تشکرات خود را تقدیم مینمایم چون تصور نمیکنم که دیگر برای پیشرفت امر و بنال مساعی مانع و مزاحمی موجود باشد موقع را منتظم شمرده خاطر آقایان نمایندگان محترم را مستحضر میسازم که نیات و مقاصد بنده از بنو امر در تمام دوره زمامداری خود همیشه متوجه اصلاح قضایای مملکتی بوده و هیچوقت راضی نشدهام که نظریات شخصی را ضمیمه مصالح عموم نمایم.

زائد می دانم از اینکه در این موقع وارد گذارشات جزئیات امر نشوم زیرا نتایج عملیات من هر چه بوده و هر چه شده همه را آقایان نمایندگان محترم موافقانه امانی مسبق میباشند.

بعضی از نمایندگان - صحیح است

عجالتاً مسرور از این اظهار هستم که با مراجعه بسیر تکامل و تدریجی و در پایان دوره اول ترقی خود را که عبارت از امنیت و آسایش و حفظ حدود و جوانب بود طی کرد.

اکنون موقع آن رسیده است که وارد در مرحله ثانوی شده آنچه را که مربوط به اساس اقتصادیات و بسط راهها و نشر معارف و ترویج مکارم اخلاقی است تعقیب نمایم.

رود در این مرحله و انجام این مقصود مهم زیاده از یک سال است که خاطر بنده را بعود مشغول داشته و فوق العاده متأسفم که در مدت یک سال انقاد مجلس شورای ملی بفرصت طبیعی مجال آن پیدا شد که

کار کندان دولت و نمایندگان ملت با وحدت فکر تقاطعی عقاید کرده قدم های سریمی که لازم است برای وصول به مقصود بردارند و بنده امیدوارم که در این موقع دولت بتواند با استفاده از وحدت نظر مجلس و کمک های فکری نمایندگان محترم وارد مراحل سعی و عمل گردد.

(بعضی از نمایندگان - انشاء الله) بالاخره در خانه دادن باین فقر اقتصادی و اوضاع صحی و نیز در بسط خطوط و معیم معارف و نشر آن و مخصوصاً در بعضی از سرحدات گذشته موفقیت نماید.

مراي تثبيت این نظریه تقاضا و پیشنهاد خواهم کرد که از مجلس مقدسو اتفاق نمایندگان محترم یک کمیسیون دوازده نفری تشکیل گردد تا دولت نظریات و مطالبات خود را با کمک فکری کمیسیون مزبور تقدیم مجلس شورای ملی نموده و در پیشرفت امور و حل فضا یا موفقیات حاصل شود.

بعضی از نمایندگان - انشاء الله) باین لحاظ امید کامل دارم که باخواست خداوند و قه های گذشته در ظرف این یکسالگی که با ختم دوره پنجم باقی مانده چهران گردد و در تاریخ آینده مملکت علائق و آثاری از این دوره بیادگار باقی بماند.

در خانه هم با نکه با اقداماتی که برای جلب اهلیحضرت بعمل آمده است از قبیل تلگرافات و اقدامات دیگر که بیش از این مسافرتشان بطول نینجامد اخیراً هم باز اقداماتی بعمل خواهد آمد که انشاء الله بزودی اعلیحضرت از این مسافرت دور تهران مراجعت کنند.

نایب رئیس - آقای رهنما.

رهنما - بنده از موقع استفاده میکنم و قبل از اینکه از نظریات رئیس دولت که اظهار فرمودند تشکر بکنم لازم است يك نکته بسیار لطیف و جالب توجهی را عرض کنم.

آقای رئیس الوزرا در چندین موقع با مراجعه بسیر تکامل و تدریجی و در پایان دوره اول ترقی خود را که عبارت از امنیت و آسایش و حفظ حدود و جوانب بود طی کرد.

اکنون موقع آن رسیده است که وارد در مرحله ثانوی شده آنچه را که مربوط به اساس اقتصادیات و بسط راهها و نشر معارف و ترویج مکارم اخلاقی است تعقیب نمایم.

رود در این مرحله و انجام این مقصود مهم زیاده از یک سال است که خاطر بنده را بعود مشغول داشته و فوق العاده متأسفم که در مدت یک سال انقاد مجلس شورای ملی بفرصت طبیعی مجال آن پیدا شد که

میشود و در يك مملکتی حکومت کرد. مختلف است. اما بهترین حکومت ها آن حکومتی است که مظهر اراده تام ملت و توجهات افکار عمومی باشد.

در این سابقه نداشته است در شانزده سال هفده سال تاریخ مشروطیت ایران سابقه نداشته است که يك مجلسی اینطور با اتقان اعتماد خودش را نسبت ببق رئیس دولتی اظهار کند.

بالای لباس نظامی شخصی آقای سردار سیه رئیس الوزرا يك چه و خلعت ملی از طرف نهاد ملت داده شد که هیچ سابقه در این دوره های مشروطیت نداشته و اثبات می کند که ملت ایران در مقابل خدماتی که آقای رئیس الوزرا باین مملکت کرده اند همیشه قدر دان بوده.

فایده رئیس - به کمیسیون های مربوطه مراجعه نماید.

فایده رئیس - اجازه میفرمایم در اجماع یکی از این لایحه عرض دارم.

نایب رئیس - شور در ماده اول قانون میزبانی است.

آقای وکیل الملک بفرماید کرده است ظاهرش این است که نگاه چهاردهم و صدی شش و نیم قرارداد ولی در باطن وقتی که می شکافیم بواسطه اختلافی که در بین مالک و رعیت در مملکت هست آن نظر بیش نمی رود زیرا همین صدی چهاردهم و صدی شش و نیم در بعضی جاها نسبت به مالک صد هشت می شود و در بعضی جاها صد شانزده و در بعضی جاها صد هشتاد و این بواسطه اختلاف ممالک می است که بین مالک و رعیت وجود دارد پس اینجا اینطور نیست ممکن است بگوئیم حالا ما کار با آنها نداریم مایک لایحه عملی آورده ایم بمجلس و می خواهیم صدی چهار و نیم و صدی شش و نیم از اصل محصول بگیریم این اصل را بنده آنروز مصلحتاً عرض کردم حال دیگر میل ندارم عراض سابقم را تکرار کنم و وقت مجلس را تلف نمایم.

آنروز آقای داور فرمودند تکلیف چیست؟ بنده عرض کردم مالیات را از مالک عشریه بگیرند فرمودند با این تقسیماتی که بین رعایا و مالکین موجود است تکلف نمی کند با مغارج دولت آنچه بنده شنیده ام در وزارت مالیه چیزی را که برای این موضوع مدرك قرار داده اند قسمت آذربایجان است.

اظهار می نماید ثروت مملکت این قدر است من هم اینقدر پول لازم دارم مجلس باید تصویب کند که به نسبت با افراد مملکت تقسیم بشود.

ملا این مملکت صد میلیون فایده اش است دولت هم پنج میلیون پول لازم دارم

نمایندگان محترم سرعت توجه بکنند و این مسئله مشکل و مهم را بزودی حل بفرمایند.

يك لایحه دیگری که در واقع تقسیم يك اصولی از قانون اساسی و قوانین دیگر است قانون انتصابات و قانون استخدام ارجح باینکه نمایندگان مجلس شورای ملی و همچنین جاهای دیگر مستخدمین دولت باشند که کار های فنی را علاوه بر سمت نمایندگی با سمت مستخدمین دولت بکنند اینهم يك مسئله است که محل ابتلاء شده است و تقاضا شده است و تقاضای می شود که مجلس شورای ملی حل کند.

دو نفر هم وظیفه و مستوری است از برای اشخاصی که بنظر دولت مورد استحقاق هستند که باید کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی مراجعه نماید.

نمایندگان محترم سرعت توجه بکنند و این مسئله مشکل و مهم را بزودی حل بفرمایند.

يك لایحه دیگری که در واقع تقسیم يك اصولی از قانون اساسی و قوانین دیگر است قانون انتصابات و قانون استخدام ارجح باینکه نمایندگان مجلس شورای ملی و همچنین جاهای دیگر مستخدمین دولت باشند که کار های فنی را علاوه بر سمت نمایندگی با سمت مستخدمین دولت بکنند اینهم يك مسئله است که محل ابتلاء شده است و تقاضا شده است و تقاضای می شود که مجلس شورای ملی حل کند.

دو نفر هم وظیفه و مستوری است از برای اشخاصی که بنظر دولت مورد استحقاق هستند که باید کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی مراجعه نماید.

فایده رئیس - به کمیسیون های مربوطه مراجعه خواهد شد.

فایده رئیس - اجازه میفرمایم در اجماع یکی از این لایحه عرض دارم.

نایب رئیس - شور در ماده اول قانون میزبانی است.

آقای وکیل الملک بفرماید کرده است ظاهرش این است که نگاه چهاردهم و صدی شش و نیم قرارداد ولی در باطن وقتی که می شکافیم بواسطه اختلافی که در بین مالک و رعیت در مملکت هست آن نظر بیش نمی رود زیرا همین صدی چهاردهم و صدی شش و نیم در بعضی جاها نسبت به مالک صد هشت می شود و در بعضی جاها صد شانزده و در بعضی جاها صد هشتاد و این بواسطه اختلاف ممالک می است که بین مالک و رعیت وجود دارد پس اینجا اینطور نیست ممکن است بگوئیم حالا ما کار با آنها نداریم مایک لایحه عملی آورده ایم بمجلس و می خواهیم صدی چهار و نیم و صدی شش و نیم از اصل محصول بگیریم این اصل را بنده آنروز مصلحتاً عرض کردم حال دیگر میل ندارم عراض سابقم را تکرار کنم و وقت مجلس را تلف نمایم.

آنروز آقای داور فرمودند تکلیف چیست؟ بنده عرض کردم مالیات را از مالک عشریه بگیرند فرمودند با این تقسیماتی که بین رعایا و مالکین موجود است تکلف نمی کند با مغارج دولت آنچه بنده شنیده ام در وزارت مالیه چیزی را که برای این موضوع مدرك قرار داده اند قسمت آذربایجان است.

اظهار می نماید ثروت مملکت این قدر است من هم اینقدر پول لازم دارم مجلس باید تصویب کند که به نسبت با افراد مملکت تقسیم بشود.

ملا این مملکت صد میلیون فایده اش است دولت هم پنج میلیون پول لازم دارم

نمایندگان محترم سرعت توجه بکنند و این مسئله مشکل و مهم را بزودی حل بفرمایند.

يك لایحه دیگری که در واقع تقسیم يك اصولی از قانون اساسی و قوانین دیگر است قانون انتصابات و قانون استخدام ارجح باینکه نمایندگان مجلس شورای ملی و همچنین جاهای دیگر مستخدمین دولت باشند که کار های فنی را علاوه بر سمت نمایندگی با سمت مستخدمین دولت بکنند اینهم يك مسئله است که محل ابتلاء شده است و تقاضا شده است و تقاضای می شود که مجلس شورای ملی حل کند.

دو نفر هم وظیفه و مستوری است از برای اشخاصی که بنظر دولت مورد استحقاق هستند که باید کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی مراجعه نماید.

نمایندگان محترم سرعت توجه بکنند و این مسئله مشکل و مهم را بزودی حل بفرمایند.

يك لایحه دیگری که در واقع تقسیم يك اصولی از قانون اساسی و قوانین دیگر است قانون انتصابات و قانون استخدام ارجح باینکه نمایندگان مجلس شورای ملی و همچنین جاهای دیگر مستخدمین دولت باشند که کار های فنی را علاوه بر سمت نمایندگی با سمت مستخدمین دولت بکنند اینهم يك مسئله است که محل ابتلاء شده است و تقاضا شده است و تقاضای می شود که مجلس شورای ملی حل کند.

دو نفر هم وظیفه و مستوری است از برای اشخاصی که بنظر دولت مورد استحقاق هستند که باید کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی مراجعه نماید.

فایده رئیس - به کمیسیون های مربوطه مراجعه خواهد شد.

فایده رئیس - اجازه میفرمایم در اجماع یکی از این لایحه عرض دارم.

نایب رئیس - شور در ماده اول قانون میزبانی است.

آقای وکیل الملک بفرماید کرده است ظاهرش این است که نگاه چهاردهم و صدی شش و نیم قرارداد ولی در باطن وقتی که می شکافیم بواسطه اختلافی که در بین مالک و رعیت در مملکت هست آن نظر بیش نمی رود زیرا همین صدی چهاردهم و صدی شش و نیم در بعضی جاها نسبت به مالک صد هشت می شود و در بعضی جاها صد شانزده و در بعضی جاها صد هشتاد و این بواسطه اختلاف ممالک می است که بین مالک و رعیت وجود دارد پس اینجا اینطور نیست ممکن است بگوئیم حالا ما کار با آنها نداریم مایک لایحه عملی آورده ایم بمجلس و می خواهیم صدی چهار و نیم و صدی شش و نیم از اصل محصول بگیریم این اصل را بنده آنروز مصلحتاً عرض کردم حال دیگر میل ندارم عراض سابقم را تکرار کنم و وقت مجلس را تلف نمایم.

آنروز آقای داور فرمودند تکلیف چیست؟ بنده عرض کردم مالیات را از مالک عشریه بگیرند فرمودند با این تقسیماتی که بین رعایا و مالکین موجود است تکلف نمی کند با مغارج دولت آنچه بنده شنیده ام در وزارت مالیه چیزی را که برای این موضوع مدرك قرار داده اند قسمت آذربایجان است.

اظهار می نماید ثروت مملکت این قدر است من هم اینقدر پول لازم دارم مجلس باید تصویب کند که به نسبت با افراد مملکت تقسیم بشود.

ملا این مملکت صد میلیون فایده اش است دولت هم پنج میلیون پول لازم دارم

نمایندگان محترم سرعت توجه بکنند و این مسئله مشکل و مهم را بزودی حل بفرمایند.

يك لایحه دیگری که در واقع تقسیم يك اصولی از قانون اساسی و قوانین دیگر است قانون انتصابات و قانون استخدام ارجح باینکه نمایندگان مجلس شورای ملی و همچنین جاهای دیگر مستخدمین دولت باشند که کار های فنی را علاوه بر سمت نمایندگی با سمت مستخدمین دولت بکنند اینهم يك مسئله است که محل ابتلاء شده است و تقاضا شده است و تقاضای می شود که مجلس شورای ملی حل کند.

دو نفر هم وظیفه و مستوری است از برای اشخاصی که بنظر دولت مورد استحقاق هستند که باید کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی مراجعه نماید.

نمایندگان محترم سرعت توجه بکنند و این مسئله مشکل و مهم را بزودی حل بفرمایند.

يك لایحه دیگری که در واقع تقسیم يك اصولی از قانون اساسی و قوانین دیگر است قانون انتصابات و قانون استخدام ارجح باینکه نمایندگان مجلس شورای ملی و همچنین جاهای دیگر مستخدمین دولت باشند که کار های فنی را علاوه بر سمت نمایندگی با سمت مستخدمین دولت بکنند اینهم يك مسئله است که محل ابتلاء شده است و تقاضا شده است و تقاضای می شود که مجلس شورای ملی حل کند.

دو نفر هم وظیفه و مستوری است از برای اشخاصی که بنظر دولت مورد استحقاق هستند که باید کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی مراجعه نماید.

فایده رئیس - به کمیسیون های مربوطه مراجعه خواهد شد.

فایده رئیس - اجازه میفرمایم در اجماع یکی از این لایحه عرض دارم.

نایب رئیس - شور در ماده اول قانون میزبانی است.

آقای وکیل الملک بفرماید کرده است ظاهرش این است که نگاه چهاردهم و صدی شش و نیم قرارداد ولی در باطن وقتی که می شکافیم بواسطه اختلافی که در بین مالک و رعیت در مملکت هست آن نظر بیش نمی رود زیرا همین صدی چهاردهم و صدی شش و نیم در بعضی جاها نسبت به مالک صد هشت می شود و در بعضی جاها صد شانزده و در بعضی جاها صد هشتاد و این بواسطه اختلاف ممالک می است که بین مالک و رعیت وجود دارد پس اینجا اینطور نیست ممکن است بگوئیم حالا ما کار با آنها نداریم مایک لایحه عملی آورده ایم بمجلس و می خواهیم صدی چهار و نیم و صدی شش و نیم از اصل محصول بگیریم این اصل را بنده آنروز مصلحتاً عرض کردم حال دیگر میل ندارم عراض سابقم را تکرار کنم و وقت مجلس را تلف نمایم.

آنروز آقای داور فرمودند تکلیف چیست؟ بنده عرض کردم مالیات را از مالک عشریه بگیرند فرمودند با این تقسیماتی که بین رعایا و مالکین موجود است تکلف نمی کند با مغارج دولت آنچه بنده شنیده ام در وزارت مالیه چیزی را که برای این موضوع مدرك قرار داده اند قسمت آذربایجان است.

اظهار می نماید ثروت مملکت این قدر است من هم اینقدر پول لازم دارم مجلس باید تصویب کند که به نسبت با افراد مملکت تقسیم بشود.

ملا این مملکت صد میلیون فایده اش است دولت هم پنج میلیون پول لازم دارم

نمایندگان محترم سرعت توجه بکنند و این مسئله مشکل و مهم را بزودی حل بفرمایند.

يك لایحه دیگری که در واقع تقسیم يك اصولی از قانون اساسی و قوانین دیگر است قانون انتصابات و قانون استخدام ارجح باینکه نمایندگان مجلس شورای ملی و همچنین جاهای دیگر مستخدمین دولت باشند که کار های فنی را علاوه بر سمت نمایندگی با سمت مستخدمین دولت بکنند اینهم يك مسئله است که محل ابتلاء شده است و تقاضا شده است و تقاضای می شود که مجلس شورای ملی حل کند.

دو نفر هم وظیفه و مستوری است از برای اشخاصی که بنظر دولت مورد استحقاق هستند که باید کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی مراجعه نماید.

نمایندگان محترم سرعت توجه بکنند و این مسئله مشکل و مهم را بزودی حل بفرمایند.

يك لایحه دیگری که در واقع تقسیم يك اصولی از قانون اساسی و قوانین دیگر است قانون انتصابات و قانون استخدام ارجح باینکه نمایندگان مجلس شورای ملی و همچنین جاهای دیگر مستخدمین دولت باشند که کار های فنی را علاوه بر سمت نمایندگی با سمت مستخدمین دولت بکنند اینهم يك مسئله است که محل ابتلاء شده است و تقاضا شده است و تقاضای می شود که مجلس شورای ملی حل کند.

دو نفر هم وظیفه و مستوری است از برای اشخاصی که بنظر دولت مورد استحقاق هستند که باید کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی مراجعه نماید.

فایده رئیس - به کمیسیون های مربوطه مراجعه خواهد شد.

فایده رئیس - اجازه میفرمایم در اجماع یکی از این لایحه عرض دارم.

نایب رئیس - شور در ماده اول قانون میزبانی است.

آقای وکیل الملک بفرماید کرده است ظاهرش این است که نگاه چهاردهم و صدی شش و نیم قرارداد ولی در باطن وقتی که می شکافیم بواسطه اختلافی که در بین مالک و رعیت در مملکت هست آن نظر بیش نمی رود زیرا همین صدی چهاردهم و صدی شش و نیم در بعضی جاها نسبت به مالک صد هشت می شود و در بعضی جاها صد شانزده و در بعضی جاها صد هشتاد و این بواسطه اختلاف ممالک می است که بین مالک و رعیت وجود دارد پس اینجا اینطور نیست ممکن است بگوئیم حالا ما کار با آنها نداریم مایک لایحه عملی آورده ایم بمجلس و می خواهیم صدی چهار و نیم و صدی شش و نیم از اصل محصول بگیریم این اصل را بنده آنروز مصلحتاً عرض کردم حال دیگر میل ندارم عراض سابقم را تکرار کنم و وقت مجلس را تلف نمایم.

آنروز آقای داور فرمودند تکلیف چیست؟ بنده عرض کردم مالیات را از مالک عشریه بگیرند فرمودند با این تقسیماتی که بین رعایا و مالکین موجود است تکلف نمی کند با مغارج دولت آنچه بنده شنیده ام در وزارت مالیه چیزی را که برای این موضوع مدرك قرار داده اند قسمت آذربایجان است.

اظهار می نماید ثروت مملکت این قدر است من هم اینقدر پول لازم دارم مجلس باید تصویب کند که به نسبت با افراد مملکت تقسیم بشود.

ملا این مملکت صد میلیون فایده اش است دولت هم پنج میلیون پول لازم دارم

نمایندگان محترم سرعت توجه بکنند و این مسئله مشکل و مهم را بزودی حل بفرمایند.

يك لایحه دیگری که در واقع تقسیم يك اصولی از قانون اساسی و قوانین دیگر است قانون انتصابات و قانون استخدام ارجح باینکه نمایندگان مجلس شورای ملی و همچنین جاهای دیگر مستخدمین دولت باشند که کار های فنی را علاوه بر سمت نمایندگی با سمت مستخدمین دولت بکنند اینهم يك مسئله است که محل ابتلاء شده است و تقاضا شده است و تقاضای می شود که مجلس شورای ملی حل کند.

دو نفر هم وظیفه و مستوری است از برای اشخاصی که بنظر دولت مورد استحقاق هستند که باید کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی مراجعه نماید.

یعنی هر کس هر چه دارد بیک قدری از آن را باید به دولت بدهد و از روی اصول عشریه که موافق شریعت هم هست صدی هشت یا صدی ده یا صدی دوازده بدولت می دهند و هیچکس هم نمی گوید که از من بیشتر گرفته و از دیگری کمتر گرفته اند و هیچ اختلافی هم پیش نمی آید چون من می بینم آقایان دیگری هم هستند که می خواهند در اطراف این ماده مذاکره نمایند .

دوره چهارم آمد موافق بودند . آنچه بنده اطلاع دارم و مخصوصاً در ضمن مذاکراتی که ایندفعه میگرداند شبیه که آنها با آن لایحه موافقت نداشتند بلکه نظر آنها درباره این مالیات همین ترتیبی است که پیشنهاد شده است .

دیگر اینکه آقای حائری زاده اظهار کردند مستشاران اینکه اینجا آمده اند از هیچ جا اطلاع ندارند . همانطوریکه ما خودمان وقتی صحبت میکنیم از همدیگر تقاضا را خواهش میکنیم که مذاکراتمان طوری باشد که کسی بر نغورد در این موضوع هم اگر بخوایم بنظر مستشارها اظهار نظری نکنیم حتی الامکان اگر طوری صحبت کنیم که تولید بکشد و توضیح بدهد .

بنده اولاً نمی خواهم این موضوع را مطرح کنم و نمی خواهم یک مدافعه از آنها ریاست تقدیم می کنم و در موقعش توضیح خواهم داد بعد هر طور که آقایان رأی را از دستمطاع است و البته هم مطیع اکثریت

فناپرسی - چند دقیقه تنفس داده میشود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل پس از بیست و یک دقیقه استراحت) **فناپرسی** - ماده اول مطرح است اشکالاتی که راجع باین قانون شده باید اظهار می شود بیشترش بلکه همه اش مربوط به همین ماده اول است و مذاکراتی هم که در کلیات میشد غیر از بعضی دو قسمت که بعضی از آقایان اشاره نمودند دیگری کردند مابقی مربوط به همین ماده اول بود

از ابتدا یعنی از وقتی که این قانون در کمیسیون مطرح شد تا امروز یک اختلاف نظر خیلی شدیدی پیش آمده است نظری که غالباً آقایان مخالفین اظهار کردند اینست که می گویند باید از سهم مالک یک مبرزانی گرفته و اظهار می کنند عشر سهم مالک را بعنوان مالیات دولت بگیرد .

حتی در خارج بعضی از آقایان مالکین را می بینم که اظهار می کردند اگر هم لازم نشد که یک قدری بیشتر از عشر باشد ولی از سهم مالک گرفته شود نظر دیگر هم نظریست که کمیسیون بودجه با موافقت دولت و نماینده وزارت مالیه اتخاذ کرده و آن اینست که از کل عایدات مالیات گرفته شود .

حالا موادی که در دوره چهارم آورد بودند آنها را گرفته و بردند و در آن قسمت نظر کردند عجلانند و او در در این قسمت هائیشوم و آقای حائری زاده آنها را توضیح دادند ولی بنده اینجا لازم می دانم که سه کلمه دیگر عرض کنم چون ایشان اشاره کردند باینکه مستشارها با آن لایحه کدر

فرسأفرار اینطور بود که در سهم رعیت و سه سهم مالک ببرد اگر در تمام مملکت اینطور بشود شما از روی این قرار سهولت می توانید بدانید یک قطعه که صد خروار عایدات دارد سهم مالک چقدر می شود و از روی سهم مالک بیکمقداری بعنوان مالیات بردارید .

ولی وقتی که در نقطه از نقاط مملکت بیک ترتیب مخصوصی معمول باشد اگر بخواید از همه جاها تحقیق کنید که سهم مالک چقدر است

آنوقت یک اشکال بزرگی در جلوی خودتان می بینید برای اینکه باید در تمام نقاط مملکت یک تقیشتاتی بشود و علاوه وقتی که بنا شد از سهم مالک مالیات بگیرند ممکن است در اغلب نقاط مالک و رعیت با هم بسازند و با هم بیکفراهانی بگذرانند و در بعضی نقاط کلاسه دولت برداشته شود .

مثلاً در یک دهه شامی خواهد بدانند که سهم مالک چقدر است مالک می بیند اگر بخواید تقاضای سهم را بخواهید تقاضای سهم را بکنید دولت بگوید فرضاً باید پنجاه خروار جنس بعنوان مالیات بدهد

آن وقت می آید بطور ظاهر و ساختگی باریعت بیک شکل دیگری قرار می گذارد و عوض پنجاه خروار بیست خروار میدهد و ده خروار هم بر عاریا می دهد مازده بیست خروار منفعت مالک شده است و سی خروار بدولت ضرر خورد است

حالا صرف نظر از این قبیل مواقع که در همه رفته یک نقلی است بنده تصور میکنم ملت اصلی اینکه نماینده مالیه و مستشاران متنتهای جدید را دارند از که عایدات کل مالیات بگیرند

ملت عمده اش این است که بواسطه اشکالات زیادی که در تشخیص سهم مالک و رعیت در نقاط مختلفه مملکت است آنوقت اگر بنا شود از عایدات مالک گرفته شود آن مقدار مالیاتی که وصول خواهد شد همین نیست و ممکن است از اینراه ضرر زیادی متوجه دولت بشود

بعضی از نمایندگان - (بطور دهه) قبل هم که بنده راجع باین موضوع عرضی عرض کردم باین اشکال اشاره کردم اشکالات این است که در یک طرف بواسطه وضعیت آب و هوا و زمین و از طرف دیگر بواسطه زیادتی جمعیت در بعضی نقاط و کمی جمعیت در نقاط دیگر و بهر طرف بواسطه این دلایل طبیعی و اجتماعی تقسیمات و سهم بندی بین مالک و رعیت اشکال فوق العاده مختلفی دارد و اگر شما بخواهید سهم مالک را مآخذ بگیرید باید بدانید که سهم مالک چیست و از برای اینکه بدانید سهم مالک چیست اگر در همه جا از روی یک اصلی و یک فاعده سهم بندی می شد خیلی آسان بود .

برای اینکه اگر اینطور است این لایحه که به این شکل پیش نهاد شده است باید رد کرد . بنده در دفعه قبل هم عرض کردم که تصور نمیکنم هیچکدام از ماها با هم خصوصتهائی داشته باشیم آنچه تا این اندازه که بخواهیم در مسائل عمومی هم نظریات خصوصی خودمان را بخرج بدهیم و شخصاً بنده و تقریباً همه ماها گمان میکنیم بیک دشمنی یا مالک و رعیت دشمنی با رعیت داریم بلکه میخواهیم بینیم که چه باید بکنیم تا اینکه مالیات دولت سهل الوصول تر و کم خرج تر باشد و عایدی دولت هم زمین نغورد .

این مقصود اصلی ما است حالا باید راه حل پیدا کرد . شامی فرمائید از سهم مالک بگیرند بهتر است

باینکه سهم مالک در هر نقطه مختلف است و اگر بخواهیم در هر نقطه سهم مالک را تشخیص بدهیم بیک دستگاه متصل و پیوسته اداره پر عرض و طولی باید در هر نقطه دائر کنیم . باین جهت می گویند من داخل تقسیم بندی بین مالک و رعیت نمیشوم . دلیل دیگر اینکه میگویند در قسمت زیادی از نقاط ایران مالیات را رعیت میدهد و آن وقت البته سهم مالک را کمتر خواهد داد وقتی که بنا شد شما مالیات را از مالک بگیرید کفایت نمی کند .

مثلاً فرض فرمائید محصول یک دهی صد خروار و پنج خروار یا ده خروار مالیات آن می شود و این مالیات را رعیت میدهد و سهم مالک از این صد خروار بیست خروار می شود

بنا بر این اگر بخواهیم با مالیات را یک عشر از سهم مالک بگیریم باید دو خروار بگیریم از اینجست در سال یک مبالغه فوق العاده بدولت ضرر وارد می آید . آنکسی که این حرف را می زند در مقابل مدارکی نشان می دهد که اگر از سهم مالک بگیریم اینقدر ضرر دولت خواهد شد آیا این دلیل را نباید گوش داد ؟

حالا شامی گویند از سهم مالک بگیرند و دلایلتان اینست که دولت مالیات را از سهم مالک بگیرد خود مالک رعیت می آید و با هم بیک قرار جدی می گذارند و مالک بیشتر میگیرد ولی اگر مالک آمده و گفت که رعیت من قبول نمیکند آن وقت ما باید داخل زد و خورد اشخاص بشویم

حالا ما برای اینکه هیچ کار نداشته باشیم به این که مالک و رعیت چه طور با هم تقسیم می کنند می آیم از مذاکرات کلامی نیست اینکه بیاطنی است

آن محصول وسط بیکمقداری با سهم مالیات بر میندازیم . در سهل بودن این طریق که حرفی نیست و گمان می کنم آقایان مخالفین هم تصدیق فرمایند که این ترتیب سهل الوصول است .

حالا می خواهیم ببینیم که از نقطه نظر عدالت این ترتیب خوبست یا نه؟ این یک نکته بود که بعضی از آقایان مخالفین مثل آقای حائری زاده اظهار کردند و فرمودند اگر این ترتیب معمول بشود آن وقت در یکجا مالک صدی چهارده داده است در یکجا صدی دوازده و در یکجا صدی ده میدهد .

بلی این اشکال صحیح است چون سهم مالک در نقاط مختلفه متفاوت است ولی حالا میخواهیم ببینیم این بی عدالتی از کجا پیدا می شود این اختلاف از این جا پیدا می شود که در یکجا استعداد زمین زیاد است و در جای دیگر استعداد زمین کم است .

در یکجا برای آب شاید مخارج زیادی بشود و در یکجا کم . یکجا سن می زند یکجا را سن نمی زند .

باین دلایل عایداتی که مالک از زمین خود بر می دارد در نقاط مختلف متفاوت است مثلاً فرض فرمائید در یک نقطه از صد خروار محصول بیست خروار بمالک می رسد .

در جای دیگر سی خروار این تغییرات را هم طبیعت پیش می آورد حالا شما می خواهید کار طبیعت را اصلاح نمائید یک ملک که در نزدیکی یک شهری باشد آب هم داشته باشد .

زمین آنهم استعداد فوق العاده داشته باشد و جمعیت آن شهر هم زیاد باشد البته این ملک عایدات زیادی برای مالک دارد ولی یک ملک که دور دست است و وضعیات جغرافیائی و آب و هوای آنهم مساعد نیست البته فایده آن برای مالک کمتر است . پس همانطور که طبیعت با آن مالک اولی مساعد بوده و با این یکی نبوده در موقع برداشت مالیات هم این یکی برایش بدبختی پیدا شده است و احمیتی هم ندارد .

اگر شما می خواهید کاری بکنید که از یک دهی در هر نقطه از مملکت که واقع شده مالکین یک اندازه فایده ببرند اگر مقصودتان این است که نمی شود . برای این که یک زمین می ممکن است بخیسی تخم بدهد و یک زمین دیگری تخمی چهار تخم این یک ترتیبی است که پیش آمده است و در بعضی جاها باید مایک قدری بیشتر از آنچه باید بدهد بدهد . . .

مخبر - بسیار خوب بدهد زیرا مسا

نمی توانیم یک کاری بکنیم که آن ترتیبی را طبیعت پیش آورده است عوض کنیم بلکه باید همان راهی را که طبیعت رفته است با هم برویم و بر خلاف آن عمل کردن یک کار فوق العاده مشکلی است .

با وجود تمام این مسائل باز بنده عرض نمیکنم بهترین ترتیبی که ممکن است از برای مالیات فکر کرد همین است . بلکه عرض میکنم این دلایل اکثریت کمیسیون را موافق با این نظر کرد و هر قدر هم که بچرخیم باز بر می گردیم سر این دو مسئله که آیا مداخله نمائیم در این که بینیم سهم بندی بین مالک و رعیت چقدر است یا نه ؟

و اگر بخواهیم تشخیص بدهیم خرج زیادی دارد و همین قسمت است که مالیه را می ترساند و مستشاران را متوحش میکند زیرا که نمیدانند حاصل چه خواهد شد و می ترسند که مالیات دولت زمین بخورد . . .

وکیل الملک - زیاد تر از حالا خواهد شد .

مخبر - بعضی از آقایان مثل آقای وکیل الملک اظهار می کنند که مالیات زیاد خواهد شد .

بنده عرض می کنم اگر یک دلایلی داشته باشند که از روی آن ثابت کنند که مالیات دولت کسر و اهد شد و آن ترتیبی که ایشان پیشنهاد میکنند بهتر است بنده شخصاً بعهده میگردم که این لایحه را بر می و کمیسیون و مستشاران وزارت مالیه را حاضر و مساعد کنیم که بآن شکلی که ایشان می فرمایند بر گردد .

پس باید آن اسناد را از روی ارقام دلایل بیاورند و ثابت کنند و الا دلایلی که ایشان فرمودند کافی نبود . برای این که معلوم بود ایشان می خواستند بپوش بپوش و خوردند خوردند آن مسائل تشنگ را باها بگویند .

دلایل ایشان این بود که چون در بعضی از نقاط مملکت ممیزی نشده و مالیات نمیدهند . بنا بر این حالا که ممیزی میشود باید مالیات بدهند و آنوقت مالیات زیاد خواهد شد . البته آن نقاطی که نمیدانند اند و حالا باید از ممیزی باید مالیات بدهند

بلی آن مقداری که میدهند زیاد می شود . ولی بعضی جاها هم هست که جزه جمعیان زیاد بوده است وقتی که ممیزی میشود کمتر میشود . برای این که خیلی از ملاکین هستند که میل دارند ممیزی بشوند و میگویند این جزء جمعی که از سابق برای ما منظور شده است خیلی زیاد بوده . بنا بر این در بعضی نقاط هم کسر

خواهد شد . مثل این که در بعضی جاها که تقاضای ممیزی کرده اند وزارت مالیه مامور فرستاده و ممیزی کرده است .

بلاخره معلوم شده است که باید از آنجاها که کمتر مالیات بگیرد . پس یکجاها می هم هست کسر میشود و وقتی شما میتوانید بنده را قانع نمائید (چون بنده یک نفر آدم بی طرفی هستم نه با مالک و نه با رعیت طرفیت دارم)

که بالاخره ثابت فرمائید که این مقدار از املاک همین که عایدات کککش این قدر است تا بچهل مالیات ندارد است و سهم بندی مالک و رعیتش هم این طور است و حالا که ممیزی می نمائیم مالیات آنجاها اینقدر میشود و آن وقت این کسر را حاصل عملتان اضافه نمائید ببینید چقدر میشود

اما این که بطور کلی می فرمائید یک جاها هست که مالیات نمیدهند و حالا که مالیات میدهند مقدار مالیات زیاد می شود .

بنده عرض میکنم نمیدانم و بلکه می خواهم جارت کنم و عرض کنم شامی نمی دانند وزارت مالیه هم نمیدانند .

یک نفر از نمایندگان - فقط خدا می داند .

داور - بلی فقط خدا می داند . از ابتداء یک نظری هم در کمیسیون اظهار شد که قبلاً یک اظهارنامه هائی تقسیم شود و تحقیقات معلی بشود که ببینیم که از روی چه میزان باید مالیات وضع شود که کسر و نقصانی پیش نیاید .

ولی بواسطه فشاری که مجلس معترم و آقایان نمایندگان مآورند که این قانون زودتر بمجلس بیاید کمیسیون ناچار شد که زودتر این راپرت را تقدیم نماید و آن تحقیقات بدوی نشد .

وزارت مالیه هم امروز قادر نیست یعنی اطمینان ندارد و اسنادش کافی نیست که بداند اگر بر سهم مالک عشر وضع بشود چقدر کسر میشود یا چقدر زیاد می شود و بالاخره شما فکر این را بکنید که اگر یک قانونی گذرانید و فردا کسر کرد چه باید بشود و نیاید مطمئن بود که اگر کسر کرد فوراً دولت می آید بمجلس اظهار میکند و مجلس زیاد میکند . مثلاً وقتی که کسر شد فوراً مجلس فرامیگذارد صدی دوازده بشود . آن وقت نتیجه چه خواهد شد؟ نتیجه این می شود که یک مقدار از عایدات دولت کسر می شود و وضع و ترتیب کارهای دولتی همه تا مرتب تر از آنچه هست میشود باید فکر این را کرد که اگر در سال دوم بیایم سه میلیون کسر آمد از کجا باید داده شود . آنوقت دولت برای این که میتواند

امور خود را اداره کند یا بر خلاف رأی مجلس عمل میکند یا این که تازه باید بیاید و پیش نهاد یک قرضی بکند برای این که آن کسر جبران شود .

وزارت مالیه نماینده اش که در کمیسیون می آید همیشه استدلالی که می نماید و فوق العاده درس آن ایستادگی می نماید این است که مالیات کسر می شود .

بده بستانه ما اعضا کمیسیون هم دلایلی نداریم و اسناد و ارقامی نداریم که بتوانیم با آنها بگوئیم این طور نیست اگر آقایان یک ارقامی دارند خواهش می کنم آنها را بفرمایند . چرا بطور کلی حرف میزنند؟ مثلاً یکی از بیاناتی که آقای وکیل الملک فرمودند این بود که باید سعی کرد مالیات از روی عایدات گرفته شود . یکی از اشکالاتی که وزارت مالیه می کند و بنده نمیخواهم بگویم برای این که بکسی بر نغورد و بگویند که تو یک مخبری هستی که گاهی یک نیش هائی میزنی که بمالکین بر می خورد باین جهت بنده چیزی از طرف خود عرض نمیکنم . آنها میگویند مالکین سهمشان و عایدیشان منحصر باین میزان نیست که آن را میزان کلی قرارداد اند بلکه یک چیزهای دیگری هم هست یعنی شمش و کسک و ماست و فسجنان است بیکاری هست و از این قبیلها .

ما بخواهیم این عایدات حاشیه را با آن عایدات رسمی شان جمع کنیم باید یک معارج فوق العاده بیش از آن چیزی که وصول می شود از برای این کار صرف کنیم و اگر هم بخواهیم از آنها صرف نظر کنیم که این مالیات بر عایدات نمی شود .

چون یک قسمت از عایداتشان این قبیل عایدات است حالا بنده خیال می کنم که بعضی از آقایان یک نظر دیگری هم داشته باشند و آن این است که بهتر است همین طوری که الان هست باشد منتهی در ممیزانش یک صحبتی بشود .

یعنی عایدات کل مآخذ گرفته شود ولی این میزان که قرارداد شده یعنی صدی چهار و نیم و صدی شش و نیم این میزان جرح و تعدیل شود .

این یک مسئله ایست و شور اول هم همین است که یک مذاکراتی بشود و البته یک پیش نهاداتی خواهد شد و در زمینه آن پیش نهادت یک مطالعات و دقت هائی خواهد شد و تمام این اقسام را در نظر میگیرم و در هر صورت راجع بقسمت فرمایشات آقای وکیل الملک که فرمودند باید یک کاری کرد که مالیات از عایدات گرفته شود علاوه بر آن اعتراضی که به نظر وزارت مالیه رسیده بود یک اعتراض دیگری هم هست و آن این است که میگویند شما که میگویند از

هنوع مجازاتی را که مجلس شورای ملی تعیین کرده است بنده با کمال میل و رغبت حاضر خواهم بود

اگر چنانچه تقصیر با این آدم شد آنوقت هم تکلیف آنرا مجلس شورای ملی باید معین کند

این نکته را هم عرض می کنم که اگر چنانچه مجلس شورای ملی نخواست داخل در این قضیه شود و نخواست حمایت از یک امر حق و واقعی بکند

بنده مجبور نیستم مجلس شورای ملی را ولی البته بعد از این ترتیب مجاز خواهم بود که خودم و هم عقبه های خودم در خارج مجلس شورای ملی تصمیماتی اتخاذ کنیم که دیگر رئیس کل ماله نتواند نظایر این عبارات را تکرار کند

حالا دیگر تکلیفش با مجلس است

رئیس - آقای اشکر (اجازه)

بعضی از نمایندگان - وارد دستور شویم

رئیس - چون ایشان برای نطق بلند شده اند نشود

اشکر - عرایش بنده مربوط است بیک اصل مهم که گمان می کنم پس از آنکه عرض کنم تصدیق بفرمائید که لازم بوده تذکر داده شود

یک سال از عمر مجلس پنجم گذشته است و بودجه سه هزار و سیصد و چهار که به مجلس بیاید آخرین بودجه خواهد بود که مجلس پنجم می تواند در او امان نظر نماید

نصرت می کنم همه آقایان تصدیق بفرمائید که هر اصلاحی بول لازم دارد مملکت ما هم کاملاً محتاج اصلاح است بطوریکه تاکنون معمول بوده است یک مقدار عایدی معینی بوده است که آنرا تقسیم می کرده اند

احتیاجی که برای مملکت لازم بوده و هر وقت یک مخارج فوق العاده پیدا می شد ناچار بودید سر و دست سایر مخارج را بشکنند و به مصرف آن خرج برسانند تا اینکه رویهم رفته عایدات با مخارج ناکا فوبکنند و بدیهی است با این ترتیب به چه چاره نمی شود یک اصلاحات در ترتیب امور مملکت نمود

همه آقایان تصدیق بفرمائید که برای مملکت تمهید معارف از هر چیز لازم تر است ولی تصدیق می فرمائید که تمهید معارف در قراءت و فضیلت و نقاط موردست محتاج صرف پول است

ولی وقتی که مراجعه ببودجه می شود می بینید بودجه همان باز هشتصد هزار تومانی است که یوه و هیئتوزیران احتیاجاتی که مملکت ما را جمع بیسبب صعبه دارد و اینهمه بای بولی با انجام نمیگیرد و وقتی در بودجه نگاه می کنیم بازمی بینیم همان صد و سی و شش هزار تومان، است که

ملک خلی مشکلی بود و هیچ وزیر و هیچ مسئول تام الاختیار ایرانی نمی توانست موفق شود که عایدات این مملکت را که بصیغ مختلف از این مملکت باید جمع آوری شود تشریح کند

یکی از خدمات برجسته این آقایان این است که آنها وزارتخانه که در این اواخر یک هرج و مرجی در آن حکم فرما بود وزارت پست و تلگراف بود که بنده روزنقای بنده خیلی خوشوقت هستم که باین هرج و مرج مالی هم خاتمه داد گرفتارها و شکایاتی که مردم راجع بحمل و نقل و ماله دارند بیشتر مربوط بسابق است

یکی دیگر از خدمات مهم آمریکاییها اجرای قانون استخدام بود

بعقیده بنده اگر این آقایان در رأس ماله ایران قرار نداشتند قانون استخدام مجری نمیشد

نظارت های کامل ملسیو در قسمتهای مالی که هر روزی بر خلاف این قانون ابلاغی صادر گرد آن آثار را رفع کرد - توقیف کرد حقوق نداد و اینقدر از قضیه را تکرار کرد تا وزیر مجبور شد حکم خلاف قانون ندهد و یکی از خدمات مهم دکتر ملسیو اجرای همین قانون استخدام است

بنده میدانم - یک انتقاداتی راجع بمواد مخصوصه این قانون بود و پیشنهاد شد انشاء اصلاح هم خواهد شد - بهترین نمونه خدمات آقایان آمریکایی اصلاحات تشکیلات ماله است - تشکیلات ماله را همیشه خوب میدانستیم مستخدمین ماله را نسبت بدوسه سان قبل خوب میدادند و ماله را که از حیث و میله چه قدر جلو گیری شده است

شیروانی - فقط از کرمان نود هزار تومان

یاسائی - ممکن است باز یک اختلافاتی باشد

ولی از آن دزدی ها و اختلاساتی که سابقاً میشود خیلی جلوگیری شده و البته وقت لازم دارد تا بتوانند بکلی جلوگیری کنند

جریانات پرسنلی و محاسباتی وزارت ماله بهتر از این نیست که حالا است و البته روز بروز رو به تکامل می رود و البته وقت لازم دارد - اداره گمرک را خارجی ها اداره نکرده اند

مگر در ترمودنی طولانی یعنی چندین سال برای اصلاحات وقت داشتند که بالاخره ادارات گمرک را بصورت کنونی در آورده و البته این آقایان هم وقت لازم دارند و بدیهی است در ظرف این یکی دو سال موفق با اصلاحات کامل مالی و اقتصادی این مملکت نخواهند شد

این شهریه هائی که اینجا تصویب شد (بنده که مخالف بودم)

مشکل بسته باشیم در بعضی مواقع از دروازه های بزرگ داخل میشویم و در بعضی موارد از چشمه سوزن رد میشویم -

خلاصه خدماتی کرده اند و بدنها امید واری کاملی است که به خدمتشان ادامه دهند و روز بروز اطلاعاتشان افزوده شده و بکمک این اطلاعات خدمات بهتری نمایند

آقای تدین در ضمن قسماً ایشان فرمودند که اگر اختیاراتی که بوسیله امریکائی داده ایم بایرانی داده بودیم بهتر خدمت میکردند

تدین - هر شان اختیارات را میسر میگرداند که اگر اختیارات کاملی هم بایرانی بدهیم بالاخره مجبور میشود که استعفا کند زیرا تاگزیر است در این مملکت زیست کند و زندگی نماید

پس ناچار در مقابل توصیه ها و اعمال نفوذها و این تأثیرات مجبور است استعفا کند و از کار کناره نماید و ممکن نیست بکنفرانسی در مقابل توصیه ها و نفوذها بتواند مقاومت کند

شیروانی - سردار سیه بهترین نمونه اش می باشد

یاسائی - آقای سردار سیه شخص فوق العاده برجسته هستند و قابل مقایسه نیستند همانطور که آقای تقی زاده در طی مقالاتشان فرموده بودند سردار سیه و دکتر ملسیو و این مجلس میتواند مملکت را اصلاح کند اگر مایک اشکالاتی تولید نکند بعقیده بنده انتقادات و اعتراضات و شکایاتی که از ولایات بر می رسد بیشتر دراز نبودن قانون و نظامات است در ماله و این تقصیر یا قصور از طرف رئیس کل ماله نیست

یک قوانین و نظاماتی وزارت ماله لازم دارد که وضع آن قوانین با مجلس شورای ملی است که قوه مقننه است

مجلس شورای ملی باید قوانین و نظامات مقتضی را وضع کند بدو وزارت ماله که آنها اجرا نمایند

بیشتر شکایات هم راجع به ابدان نبودن مالیات ها است و لازم است قانون میزب مالیات ها اصلاح شود و باید حق پایشان داد

برای اینکه در یک مجلس و در یک مملکت منتشر میشود که یکی از نمایندگان معترض ایشان یک تعرضاتی کرد و مجلس هم گفت صحیح است

در صورتیکه اکثریت مجلس نمی گفت صحیح است و یک عده می گفتند صحیح و این صحیح است منتشر میشود در این مملکت و در دنیا و بهتر این بود که در جلسه گذشته از طرف اشخاصیکه موافقت کامل با مالیات رئیس کل ماله دارند اظهاراتی میشد ولی چون گذشته بود دیگر تکرار نشد

بعقیده بنده اگر دکتر ملسیو از ابتدا با این اختیارات در این مملکت بود اصلاً این شهریه ها مقرر نمیشد و اگر هم ایشان نبودند مستراً زیاد میشود

خلاصه اینکه در نتیجه نبودن قوانین و نظامات اعتراضات و شکایاتی میشود که بیشتر آنها هم بوسیله خود ما است مردم هم منتظرند که مجلس شورای ملی آن اشکالات را مرتفع سازد و مردم بوط بد کتر ملسیو نیست

مثلاً مالیات سرشاری یکی از مالیات های ظالمانه بود

و مجلس شورای ملی آنرا لغو نمی کرد وزارت ماله ناچار بود آنرا از مردم اخذ نماید و البته در اطراف اخیان مالیات شکایاتی میشد

مستطور مالیات جزو جمع مستقیم مطابق جزء جمع های سابق باید آنرا وصول کنند

در اطراف آن یک شکایاتی و اعتراضاتی است و این شکایات و اعتراضات رفع نمی شود مگر این که قانون میزب را بگذرانیم این اشکالات هم بیشتر مربوط است بکمبود عایدات

و البته مجلس باید سعی کند که مالیاتهای جدیدی وضع کند تا از این راه عایدات زیاد شود و در تحت نظارت خرج کند و البته دکتر ملسیو هم با مصوبات مجلس مخالفتی نکرد و نخواهد کرد

این اظهاراتیکه در یکی دو جلسه شده است بنده مضر و موجب دل سردی آقایان امریکائی ها میدانم

آقایانیکه در دوره چهارم تشریف داشتند رین کنترا را تصویب کرده و این آقایان را استخدام و جاب کرده اند و بر هر یک کار مهمی گذاشته اند

آن آقایان باید بیشتر تسامح و موافقت کنند

تا ما ها که در آن دوره نبوده ایم و در تصویب کنترا آن ها مباشرت نداشته ایم البته باید تصدیق کرد که آقای رئیس کل ماله هم تا اندازه حق نمرضا تشخص و فردی نسبت بیک نماینده مجلس ندارد ولی این پیش آمد در نتیجه این شده است که ما در جلسه گذشته سکوت اختیار کردیم و باید حق پایشان داد

برای اینکه در یک مجلس و در یک مملکت منتشر میشود که یکی از نمایندگان معترض ایشان یک تعرضاتی کرد و مجلس هم گفت صحیح است

در صورتیکه اکثریت مجلس نمی گفت صحیح است و یک عده می گفتند صحیح و این صحیح است منتشر میشود در این مملکت و در دنیا و بهتر این بود که در جلسه گذشته از طرف اشخاصیکه موافقت کامل با مالیات رئیس کل ماله دارند اظهاراتی میشد ولی چون گذشته بود دیگر تکرار نشد

در موقع دیگری بدون سابقه لزومی نداشت

ولی در این جلسه باز اظهاراتی شد بنده بهمان نظری که عرض کردم تاگزیر شدم این عرایض را عرض کنم و بعقیده بنده این ها خدمتانی کرده اند

و البته بعد از آنهم خدمات مهم تری خواهند کرد

و اینکه فرمودند این ها اطلاعاتی ندارند اینطور نیست

بدیهی است که اطلاعات اساسی راجع باصول اقتصادی دارند

منتجی اگر اطلاعات عمومی راجع بماله این مملکت ندارند

البته بتدریج اطلاع پیدا کرده و خواهند کرد و تجربیات حاصل می کنند

و این تجربیات حاصله هم خیلی کمک به اصلاحات آنها خواهد کرد

چون از نمایندگان خوب است وارد دستور شویم

رئیس - آقای داور پیشنهاد کرده اند رای میگیریم به پیشنهاد ایشان

آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

تدین - ایشان وکیل ملسیو هستند بنده وکیل ملت ایران باید دفاع کنم

رئیس - خطاب به آقای تدین شما اختطاری کنم

تدین - بسیار خوب

رئیس - مرسله از طرف آقای رئیس الوزرا به بنده رسیده فرمائید بشود بعد تکلیفش را معین خواهند نمود (بشرح ذیل قرائت شد)

بهاوریکه امروز در مجلس علنی در ضمن اظهارات خود به آقایان نمایندگان معترض تذکره نمودم تقاضا دارم یک کمیسیون دوازده نفری

از میان تمام آقایان نمایندگان معترض فرمایند که دولت در مسائل مهمه اساسی و اصلاحات مملکتی با کمیسیون مزبور تعاملی نظر و تبادل فکر بنمایند

مشتی است زودتر در این موضوع اقدام و نتیجه را اعلام فرمایند

رئیس - آقای رهشا (اجازه)

رهشا - در اصل مسئله یعنی انتخاب کمیسیون بنده مخالفتی ندارم ولی چون در اینجا نوشته شده است که از طرف مجلس انتخاب بشود بنده ترجیح میدهم که بنا بر سابقه و بطوری که تاکنون معمول بوده این کمیسیون از طرف نمایندگان انتخاب شود نه از مجلس

زیرا قرا کمیسیونهایی که در مجلس وجود دارند غالباً برای این نوع امورات و

واگرنه باشد که ما این فکر را (یعنی انتخاب از مجلس را تصویب کنیم) تصویب کرده ایم بانحلال تمام قرا کمیسیونها و یک عدم تمرکزی در مجلس ایجاد میکنیم

بنا بر این بنده ملاحظه می کنم که مطابق ترتیب و بنا بر سابقه چنانچه در کابینه آقای مشیرالدوله هم سابقه دارد و معمول بود این کمیسیون از نمایندگان قرا کمیسیونها انتخاب و معین گردد

چون از نمایندگان خوب است وارد دستور شویم

رئیس - در اساس مسئله اشکالی نیست فقط در ترتیب کمیسیون اختلاف است که آیا از قرا کمیسیونها انتخاب شود یا از خود مجلس یا از شعبه ها

آقای آقا سیه به عقوب پیشنهاد کرده اند از خود مجلس انتخاب شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد ایشان

آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

تعیین این کمیسیون امروز انجام خواهد گرفت و روزیکشنبه

جمعی از نمایندگان - یکشنبه

رئیس - برای روزیکشنبه مغلفی ندارد

عده های از نمایندگان - خیر

رئیس - قانون انتخابات از ماده ۲۴ مطرح است

(ماده ۴ - بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۲۴ - کمیسیون تعقیب مرکب خواهد بود از چهار نفر از اعضاء انجمن نظار و چهار نفر از اعضاء انجمن ایالتی یا ولایاتی که تماماً بحکم فرعه معین میشوند و حکومت یا نماینده او

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - چون این ماده مرتباً با ماده ۴۳ است و بنده با ماده ۴۳ مخالف بودم با این ماده هم مخالفم مخصوصاً با این قسمت اخیر که نوشته چهار نفر از اعضاء نظار و ۴ نفر از اعضاء انجمن ایالتی یا ولایاتی که تماماً بحکم فرعه معین میشوند و حکومت یا نماینده او

وقتی که مامسئولیت انتخاب را بعهده انجمن نظار قرار میدهم دیگر برای تضاد در یک موضوعی بنده هیچ موجهی نمی بینم که حکومت یا نماینده او را از این قرار داده و بنا بر حق رای بدیم بدیهی است در کمیسویی که حکومت یا نماینده او عضویت دارد حق تضاد هم دارد و در این گونه موارد البته دخالت حکومت یا نماینده او یک تأثیراتی دارد

البته آقایان وضعیت ولایات را خوب در نظر دارند

وقتی چهار نفر از اعضاء انجمن ایالتی

و ۴ نفر هم از اعضاء انجمن نظار و یک نفر از طرف حکومت برای تضاد در امری معین شوند

رای یک نفر حکومت عملاً مساوی است با رای آن ۸ نفر دیگر

و در حقیقت آراء دیگران تحت تأثیر رای آن یک نفر واقع خواهد شد و اگر بنا باشد حکومت در اینجا ذی رای باشد تضاد دیگران مذهب و حتی درستی ندارد از این جهت بنده با این ماده مخالفم

مغلف بنده از طرف کمیسیون اصراری ندارم که حتماً این ماده بشود

آنچه بنظر کمیسیون رسیده این بود در دوره های پیش وقتی که یک اختلافاتی در امر انتخابات میشد چون تکلیف معین نبود دولت مجبور بود پیشرفت بر سر دستور تعقیب او باز ممتد دیگر مأمور کند و بالاخره یک اشکالاتی پیش می آمد

بنا بر این ما بوجود یک هیئت استثنائی قائل شدیم و طریق تشکیل این انجمن را کمیسیون اینطور در نظر گرفته است که چهار نفر اعضاء انجمن نظار که اطلاعات کافی دارند باشند تا بتوانند نظرات اعضاء انجمن سابق را دفاع کنند و چهار نفر هم از اعضاء انجمن ایالتی و ولایاتی باشند

زیرا بحالات در وجه مردم خوب احاطه دارند و نظریات خاصی هم ندارند تعیین حکومت هم از این لحاظ است که چون دولت مسئول انتخابات است یک نفری هم از طرف او باشد

حالا اگر بجای این یک نفر مأمور حکومت کس دیگری بنظر ایشان میرسد خوبست پیشنهاد بفرمائید تا در کمیسیون مذاکره بشود

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده گذشته از اعتراضی که آقای یاسائی کردند اعتراض دیگری دارم و آن این است که مالا اعضاء انجمن ایالتی تضاد خواهند کرد

چون در ماده ۴۱ میگوید:

در محلهاییکه انجمن ایالتی یا ولایاتی برقرار است انجمن نظارت مرکب خواهد بود از چهار نفر از اعضاء انجمن ایالتی و ولایاتی نفر دیگر

آن وقت ممکن است اشخاصی که مطابق ماده ۱۴ انتخاب شده اند بحکم فرعه برای عضویت کمیسیون معین شوند و باز اگر چهار نفر از اعضاء انجمن ایالتی و ولایاتی را از خارج معین کنند در این صورت تمام هشت نفر از اعضاء انجمن ایالتی و ولایاتی خواهند بود و این بنظر بنده قدری اسباب اشکال است

از این جهت بنده آقای حاج سید المحققین پیشنهادی تقدیم کرده ایم که آن ۴ نفری که از خارج میخوانند انتخاب کنند بر ابق ماده ۱۴ از این بقیه اشخاصی

برای انجمن انتخاب شده اند معین شوند.

رئیس - آقای آخگر (اجازه)

اجازت بدهند. فرمودند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد قرائت میشود. (شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال - کمیسیون تحقیق تشکیل خواهد شد. از

دو نفر قضات درجه اول حوزه انتخابیه و

چهار نفر از اعضای انجمن نظارت مرکزی

الح پیشنهاد آقایان شیخ محمد علی نهرانی

و حاج سید اله مقین

پیشنهاد مینمایم ماده ۴۴ بترتیب ذیل

اصلاح شود.

ماده (۴۴) کمیسیون تحقیق مرکب

خواهد بود از چهار نفر از اعضای انجمن

نظار و چهار نفر بقیه اشخاص که مطابق ماده

چهارده انتخاب شده اند و حکومت یا

نمایند او

پیشنهاد آقای آقا سید مقرب مقام

معترم ریاست بده پیشنهاد میکنم که

ماده ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ از این نوع اصلاح شود -

کمیسیون تحقیق مرکب است از هفت نفر

سه نفر از اعضای انجمن مرکزی و چهار نفر

از اعضای انجمن ایالتی و ولایتی

مخیر - اجازه مفرماید؟ در ماده

۴۴ تقریباً در جلسه قبل مذاکراتی شده

بود آقای نهرانی هم در ماده ۴۵ یک

پیشنهادی کرده اند که طبع و توزیع

شده است.

رئیس - خیر! مذکره نشده است.

آقای نهرانی قبلاً پیشنهاد کرده بودند.

ماده ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ قرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد)

نظار باطل شدن اساس انتخاب را تصدیق

نماید مراتب را به مجلس شورای ملی اظهار

و حکومت نیز بوزارت داخله راپورت

میدهد.

رئیس - آقای یاسانی

(اجازه)

باساسی - در این ماده نوشته شده است

(هر گاه شکایت پس از ختم انتخابات باشد)

ختم انتخابات بقیه بده وقت است که

انجمن نظارت اعتبار نامها امضاء کرده

باشد.

آئینت انتخابات خاتمه پیدا میکند

در این صورت باید این عبارت اصلاح شود

نوشته شود مثلاً پس از استخراج آراء یا

یک عبارت دیگری و البته ختم انتخابات پس

از دادن اعتبارنامه است و آئینت هم شکایات

باید بمجلس شورای ملی برسد.

باز در ماده نوشته شده است (بنوعی

که انجمن نظارت باطل شدن اساس انتخاب

را تصدیق نماید).

البته آقایان در نظر دارند که انجمن

های فرعی از لحاظ اختیار در ردیف انجمن

نظارت مرکزی اصلی هستند.

در اینجا بطور مطلق نوشته که

انجمن نظارت باطل شدن اساس انتخاب را

تصدیق نماید و معلوم نیست کدام انجمن

نظارت؟ انجمن نظارت فرعی نسبت به حوزه خودش

یا انجمن نظارت اصلی نسبت به تمام حوزه؟

یا نسبت به حوزه فرعی محلی؟

مثلاً اگر انجمن نظارت حوزه فرعی

بطلان انتخابات آن حوزه را تصدیق نماید

و انجمن نظارت مرکزی بر عکس صحت

هیئت نظارت و اشخاص ذینفع باین ماده

متوسل میشوند و هیئت نظارت بطلان

را تصدیق میکنند و حکومت هم يك

رایز نهائی بوزارت داخله میدهد و در نتیجه

اسباب زحمت دولت و مردم و وزارت داخله

را فراهم می کنند و انتخابات هم بجائی

نمیرسد و ممکنست مجلس هم بر اثر این ماده

تشکیل نشود.

بعلاوه این ماده باماده ۴۸ کاملاً متضاد

است ملاحظه فرمائید.

ماده ۴۸ و هشت - در صورتیکه

اکثریت هیئت نظارت از حضور در انجمن

استنکاف نمایند یا پس از ختم انتخابات از

دادن اعتبارنامه خودداری کنند حکومت

هلل و موجبات استنکاف آنان را تحقیق و

اگر محظور قایل رفق دارند مرتفع می

سازد.

هر گاه با اینحال مضر در استنکاف

باشد حکومت با حضور باقی اعضا از

سایر منتقین بهمان عدد محکم فرقه

دعوت و انتخاب را خاتمه داده و مراتب را

بوزارت داخله اطلاع میدهد در این ماده ۴۸

اختیار میدهد که اگر نظارت استنکاف

کردند حکومت دیگران را دعوت کند که

بباید اعتبارنامه را امضاء کنند ممکنست

علت استنکاف مستنکفین از حضور برای

این باشد که انتخابات را باطل بدانند و

مطابق ماده ۴۶ وقتی که انتخابات را باطل

بدانند باید مراتب را بمجلس و وزارت

داخله اطلاع بدهند.

در این ماده نوشته شده است که اگر

استنکاف کردند حکومت دیگران را

یا این است که نظارت استنکاف

میکند و در آن ماده استنکاف نظارت نوشته

مثل اینکه در دوره سوم آقای ماضد السلطنه

در نزد تشریف داشتند انتخابات آنجا

ختم شد و هیئت نظارت دیدند که انتخابات

مطابق میلشان نیست استنکاف کردند و

هی تلگراف میکردند که ما حاضر نیستیم

دوسیه را امضاء کنیم.

بالاخره دولت مجبور شد يك عدد دیگر

را که در قانون هم پیش بینی نشده بود

دعوت کند و این دسته وقتی دیدند این بطور

شد حاضر شدند و انتخابات را خاتمه دادند

در گرامهم نمایند در کدام دوره بود که

نظیر این قضیه واقع شد این مواد برای پیش

بینی از این قضایا نوشته شده است و نتانی هم

بین آنها موجود نیست.

خلاصه اینکه اگر نظارت انتخاب را

باطل بدانند دوسیه را بمجلس میفرستند و

اگر هم استنکاف کنند آنها منفسل میشوند

و دسته دیگری بجایشان می آیند و انتخابات

را خاتمه میدهند و اشکالی هم ندارد

جمعی از نمایندگان - گفتند

مذاکرات کافی است (بعضی میگفتند کافی

نیست)

رئیس - آقای طهرانی

(اجازه)

آقای شیخ محمد علی طهرانی -

عرضی ندارم

رئیس - آقای دست غیب

(اجازه)

دست غیب - اولاً بنده با کفایت

مذاکرات مخالفم و همچنین مخالفم با

انجمن مرکزی اظهارات انجمن فرعی

را باطل و انتخابات را صحیح بدانند.

ولی وقتی که خود انجمن نظارت اصلی و

مرکزی تصدیق کرد که فلان انتخاب

باطل است آنوقت چطور ممکن است

راپورت آنرا بمجلس بدهد؟ و بگوید بده

یک انتخاباتی شد. شاید هم يك کسی انتخاب

شده.

ولی اساس این انتخاب غلط و باطل

است آنوقت از این چه بیرون می آید.

اگر مجلس بخواهد در این امر قضاوت

کند چطور میتواند حکمت کند؟

زیرا خود انجمن نظارت که متصدی

امر انتخابات بوده تصدیق و اعتراف کرده

است که انتخابات باطل است و البته دلایل

هم در وقت است يك دلایلی است که مینویسند

انتخابات باطل است.

ولی انجمن تصدیق نمی کند و يك

دلایلی هم هست که خود انجمن دیده و

تصدیق میکنند که انتخابات باطل است.

در این صورت چطور باز هم مجلس

میتواند بگوید این انتخابات صحیح است؟

اینجا مطلب درست روشن نیست این

ترتیب علاوه بر اینکه عملی و منطقی نیست

این ماده ناقص و مبهم است و حالا بر فرض اینکه ما

عملی بودن آنرا تصدیق کنیم باز ماده مبهم

است در اینجا نوشته نشده است که تکلیف

چیست و یک ماده مبهمی اینجا نوشته اند و

آقایان هم بعضی مطالعه فرموده اند و بعضی

مطالعه نفرموده اند و همینطور مفرماید:

مذاکرات کفایت.

پیشنهاد مینمایم تبصره ذیل باده

۴۶ اضافه شود.

تبصره ۲ - انتخاباتیکه برخلاف قانون

انتخابات جریان یابد باطل و موجب تجدید

انتخابات خواهد بود.

رئیس - اجازه مفرماید چند دقیقه

توقف داده شود؟

جمعی از نمایندگان - صحیح

است.

(در این موقع جلسه برای تقس تعلیل

ویس از بیست و هفتاد و یک تشکیل گردید)

رئیس - ماده ۴۸ و هشت و هفت قرائت

می شود.

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۴۷ - هر گاه در حین جریان

انتخابات بعضی از اعضا انجمن نظارت از

حضور در انجمن استنکاف نمایند

مادام که اکثریت باقیست جریان

انتخاب را تعقیب و بعضو مستنکف اخطار

میشود چنانچه بر استنکاف خود باقی باشد

انجمن بجای او از اعضا منتخبه دیگر را

بقره معین و انتخابات را خاتمه میدهد

رئیس - آقای یاسانی

(اجازه)

یاسانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای طهرانی

(اجازه)

حاضر نبودند

رئیس - آقای ضیاء الواعظین - عرضی ندارم

رئیس - آقای دست غیب

(اجازه)

انجمن بجای او بکنفر دیگر را بقره

تعیین میکند و انتخابات را خاتمه میدهد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات

کافی است.

رئیس - ماده ۴۸ و هشت قرائت

میشود.

(بضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۴۸ - در صورتیکه اکثریت

هیئت نظارت از حضور در انجمن استنکاف

نمایند یا پس از ختم انتخابات از دادن

اعتبارنامه خودداری کنند حکومت هلل و

موجبات استنکاف آنانرا تحقیق و اگر

محظور قایل رفق دارند مرتفع میسازد.

هر گاه با اینحال مضر در استنکاف

سایر منتقین بهمان عدد محکم فرقه دعوت و

انتخاب را خاتمه داده و مراتب را بوزارت

داخله اطلاع میدهد.

رئیس - آقای یاسانی

(اجازه)

یاسانی - همانطور که قبلاً عرض

کردم بقیه بنده مفاد این ماده مخالف با

ماده ۴۶ است.

زیرا در ماده ۴۶ نوشته شده است که

اگر نظارت باطل بودن انتخابات را تصدیق

نمایند

مراتب را بمجلس شورای ملی اطلاع

میدهند ولی در این ماده نوشته شده اگر

اکثریت نظارت از حضور در انجمن استنکاف

کردند حکومت میتواند اشخاص دیگر را

دعوت کند تا انتخابات را خاتمه دهند.

ممکن است استنکاف و امتناع نظارت

میدهند و البته آن دسته که عقیده شان

این است که انتخابات باطل است تصدیق

خودشانرا در دوسیه مینویسند.

دوسیه هم بمجلس میآید مجلس شورای

ملی هم با نظر آنها را تصدیق میکند

یعنی تجدید انتخابات میشود یا اینکه نظر

آنها را رد میکنند و کلارا می پذیرد.

ولی اینجاموضوع صحت قسمت دوم

است یعنی در وقتی که نظارت استنکاف

میکند و انتخابات را با تکلیف میگذارند

در این صورت حکومت باید بجای مستنکفین

یکمده بیآورد که تکلیف کار را معین

کنند.

رئیس - آقای طهرانی

(اجازه)

آقای شیخ محمد علی طهرانی -

عرضی ندارم

رئیس - ماده ۴۸ و هشت و نه قرائت می

شود.

(بضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۴۹ - حق اعتراض بر انتخاباترا

اشخاصی دارند که حق شرکت در آن

انتخاب را داشته باشند.

رئیس - مخالفی ندارد؟

بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس - ماده پنجاه.

(باین ترتیب قرائت شد)

ماده ۵۰ - شکایاتی که متکی بمواد

قانون نباشد چه در حین انتخاب و چه بعد از

انتخاب رسیدگی نمیشود ولی در صورت

تجدید انتخابات

رئیس - مخالفی دارد؟

بعضی از نمایندگان - خیر

یاسانی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید.

یاسانی - در اینجا مختصراً نوشته

شده است

شکایاتی که متکی بمواد قانون نباشد

چه در حین انتخابات و چه بعد از انتخاب

رسیدگی نمیشود.

ولی در صورت مجلس ذکر میشود

البته يك موادی در این قانون پیش بینی

شده است اگر تخطی از آن مواد شد

ممکن است باتکاه تغلف از آن مواد

شکایاتی کرد.

ولی يك شکایاتی هم هست که هیچ

در قانون پیش بینی نشده است و وقتی

شکایت کننده شکایت میکند چون متکی

بمواد این قانون نیست لذا قابل استماع

نیست و رسیدگی نمیکند.

مثلاً یکمده جمیع انتخابات فارس را

آتش زده اند و میخواهند آنها را تعقیب

بکنند آیا بموجب کدام ماده این قانون

میتوانند.

(اجازه)
شیروانی - مرضی ندارم.
رئیس- شاهزاده شیخ رئیس
(اجازه)

شیخ رئیس - این مادرا ما عملا
دیده‌ام که اجرا نشود بلکه گفته شد.
برای اینکه ممکن است در هفته اول
شکایاتی برسد و دوسه‌های مفصل پیدا کند
و بدیهی است در یک هفته اعضا
انجمن قادر بر رسیدگی تمام آن ها
نیستند

بعضی از نمایندگان- طبع و توزیع
شود.
رئیس - برای تعیین فوریت طبع و
توزیع شونده آقای زعیب نیستند؟
یک نفر از نمایندگان- خیر
رئیس- آقای ضیاء الواعظین راجع
بفوریت فرمایش دارید؟
ضیاء الواعظین - بلی
رئیس بفرماید.
ضیاء الواعظین- بنده تقاضا میکنم که
طبع و توزیع شونده بعد از آنکه طبع و
توزیع شد بعد راجع بفوریتش رای گرفته
شود.

رئیس- مخالفی نداره؟
بعضی از نمایندگان- خیر
رئیس- آقای عدل الملک
(اجازه)
عدل الملک- بنده میخواستم عرض کنم
لواجح مقیده ای داریم که حقیقتاً نافع
زیاد کهیم اسباب تأخیر کار انتخابات خواهد
بود در هفت روز اول که شکایات را آقایانی
تحویل میکنند بالطبع مطالعه میکنند و
تحقیقات میکنند منتهی رای دانشان در
هفته ثانوی است و این نظریه حضرت والا
یعنی ۱۵ روز را تأمین میکنند.
رئیس- دیگر مخالفی نیست؟
(گفتند - خیر)
رئیس- پیشنهادها قرائت میشود.
(شرح ذیل قرائت شد)
پیشنهاد آقای آفاشیخ جلال- جملات
ذیل بماده ۳ اضافه شود: چنانچه انتخابات
را موافق با قانون دیده شکایات را در
حدود قانون انتخابات مؤثر در انتخابات
ندانست اعتبار نامه به نایبیده میدهد والا
نظریات و عقاید خود را با ادله آن در ذیل
دوسه نوشته سواد نظریات من بورد را
بمعاون راپورت بوزارت داخله ارسال می
دارد

پیشنهاد شاهزاده شیخ رئیس- پیشنهاد
میکم جزء آخر اینطور نوشته شود
در ظرف پانزده روز شکایات واصله
رسیدگی مینماید.
رئیس- اگر تصویب مفرماید بقیه
مذاکرات بماند برای جلسه یکشنبه در
جلسه گذشته یک لایحه از طرف دولت
راجع بنادیه مطالبات اتباع داخلی پیشنهاد
شده است
گویا یکی از آقایان نمایندگان
تقاضای فوریت کرده اند و بنا شده است
که بکلی اینها متروک شده است و بنده

رئیس- آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)
آقا سید یعقوب- بنده خواستم مجلس
را متذکر بیک مسئله که این برخود بنده
هم مشتبه است و آن مسئله راجع بامتیازاتی
است که از کمیسیون فوائد عامه گذشته
ویک زمزمه‌هایی می شنوم که از این امتیازات
چلوگیری میشود یکی مسئله بندر جز است
یکی هم مسئله رب سوس است یکی هم مسئله
بندر بیچاره خاله است راپورت اینها از کمیسیون
فوائد عامه گذشته و نمیدانم چه شده است
که بکلی اینها متروک شده است و بنده

میخواستم در اول جلسه اساساً
این موضوع صحبتی نکنم ولی چون صحبت
های دیگری پیش آمد بنده کنارمستم که
در این باب عرض نکنم ولی حالا بعدای
بلند عرض میکنم که اول قدم اساسی برای
این مملکت این است که این امتیازات عام-
المنفعه داده شود و هر امتیازی که می آید
چلوگیری میشود شنیدم کمیانی کثرت
و این مسمود الملک بیچاره هم که اینجا
بود گویا رفت بیچاره خاله هم که از میان رفت
نمیدانم چه چیز است آیا حقیقتاً از طرف
دولت این لواجح پس گرفته شده است ؟
اگر اینطور است علت پس گرفتن چه چیز
است؟
مسئله رب سوس را هم حالا در آن
لواجحی که بدست ما داده بنده نمی بینم
و بنده یک نفر از نمایندگان هستم هیچ
اطلاعی از این قضایا ندارم یک نفر خوبست
نوضیح بدهد که این امتیازات چه میشود
چه چاهی پیدا شده است که میرود آنجا
بیرون نمی آید.

رئیس- پس باشد بدرای میگیریم
و دستور روز یکشنبه اول قانون میزنی
پیشنهاد هم شده است که جز کمیسیون
بودجه راجع بوزنه مجدداً اشرف و مشتشار
دفتر جزء دستور شود مخالفی ندارد
(گفتند خیر)
(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم
شد)

رئیس- مجلس شورای ملی- مؤمن الملک
منشی- علی اقبال الممالک
منشی - معظم السلطان
جلسه صد و سی
صورت مشروح مجلس
یوم یکشنبه چهارم حوت
۱۳۰۳ مطابق بیست و هشتم
رجب المرجب ۱۳۴۳
(مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر
برپاست آقای مؤمن الملک تشکیل
گردید)
(سورت مجلس یوم پنجشنبه اول
حوت را آقای میرزا جواد خان قرائت
نمودند)
حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم
عقیده ام این است تا قانون میزنی نگذرد
هیچ قانونی نباید مطرح شود شورا و لش
تمام شود برود بکمیسیون بعد بسایر قوانین
بپردازیم.
رئیس- شاهزاده شیخ رئیس
(اجازه)
شیخ رئیس- عرض بنده هم گفته
شده
رئیس - آقای سردار عشایر
(اجازه)
سردار عشایر- بنده هم عرض میکنم
که چون سال نزدیک با آخر است باید قانون

رئیس- شاهزاده شیخ رئیس
(اجازه)
شیخ رئیس- عرض بنده هم گفته
شده
رئیس - آقای سردار عشایر
(اجازه)
سردار عشایر- بنده هم عرض میکنم
که چون سال نزدیک با آخر است باید قانون

میزی تمام شود بعد قانون انتخابات مطرح
شود.
رئیس - آقای شریعت زاده
(اجازه)
شریعت زاده - مقام براست مضر شد
که سابقاً یک ستوالی راجع بمعلیانی که
در مشهد نسبت بضیاء حضور شده است از
وزارت مسالیه کردم استدعا دارم مقرر شود
زودتر برای جواب حاضر شوند اگر موضوع
سوال را آقایان درست تحت نظر بیاورند
ثابت میشود که در وظائف مهمه مجلس است
که این مسئله را تعقیب کنند این است که
تقاضا میکنم مقرر فرمایند برای جواب آن
سوال زودتر تشریف بیاورند.
رئیس - تا کذب میشود برای دستور
روز یکشنبه دو سه فقره پیشنهاد شده که
باید رای گرفته شود تا تکلیفش معین شود
پیشنهادی آقای اشکر کرده اند که قانون
نظام اجباری در دستور باشد .
اشکر- بنده برای روز سه شنبه پیشنهاد
کردم.
رئیس- پس باشد بدرای میگیریم
و دستور روز یکشنبه اول قانون میزنی
پیشنهاد هم شده است که جز کمیسیون
بودجه راجع بوزنه مجدداً اشرف و مشتشار
دفتر جزء دستور شود مخالفی ندارد
(گفتند خیر)
(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم
شد)

رئیس- پس باشد بدرای میگیریم
و دستور روز یکشنبه اول قانون میزنی
پیشنهاد هم شده است که جز کمیسیون
بودجه راجع بوزنه مجدداً اشرف و مشتشار
دفتر جزء دستور شود مخالفی ندارد
(گفتند خیر)
(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم
شد)

رئیس- پس باشد بدرای میگیریم
و دستور روز یکشنبه اول قانون میزنی
پیشنهاد هم شده است که جز کمیسیون
بودجه راجع بوزنه مجدداً اشرف و مشتشار
دفتر جزء دستور شود مخالفی ندارد
(گفتند خیر)
(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم
شد)

رئیس- پس باشد بدرای میگیریم
و دستور روز یکشنبه اول قانون میزنی
پیشنهاد هم شده است که جز کمیسیون
بودجه راجع بوزنه مجدداً اشرف و مشتشار
دفتر جزء دستور شود مخالفی ندارد
(گفتند خیر)
(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم
شد)

رئیس- آقای دامغانی
(اجازه)
شریعت زاده دامغانی - بنده خیلی
شاکی و خوشوقتم که بعضی اختلافات
سیاسی همان اختلافاتی که بسیاری از اوقات
دولت و مجلس را بخورد مشغول کرده بود
مرتفع شد و میتوانم عرض کنم که حالا
دولت آقای سردار سپه با استظهار بانفان
آقایان نمایندگان میتواند وظایف خود را
انجام دهد اینهم یک نعمتی است که کمتر
در ادوار گذشته و ممالک دنیا سابقه داشته
آقایان نمایندگان میتوانند وظایف خود را
انجام دهند اینهم یک نعمتی است که کمتر
در ادوار گذشته و ممالک دنیا سابقه داشته
آقایان نمایندگان میتوانند وظایف خود را
انجام دهند اینهم یک نعمتی است که کمتر
در ادوار گذشته و ممالک دنیا سابقه داشته

چون آقای سردار سپه رئیس الوزراه
فداکاریهایی که مختص بخودشان است
نسبت باین ملت و مملکت کرده اند مخصوصاً
امنیتی که تولید شده است در اثر فداکاری
و زحمات ایشان بوده و مجلس هم فداکاری
ایشان را قدر دانی کرده و حالا مقتضی است
عرض کنم با آن فعالیت که در ایشان هست
اگر اندک توجهی نسبت بقسمت شمال یعنی
بعاشایه بحر خزر و صحرائی ترکمان بفرمایند
خیلی بیوقع است .
(بعضی از نمایندگان - صحیح است)
زیرا ایشان با آن فعالیت ذاتی که دارند
نفوذ حکومت مرکزی را در تمام افشار
این مملکت تثبیت کرده اند فقط جاهی که
باقیمانده همان یک قسمت صحرائی ترکمان
است که همیشه مثل یک بندگی مبرمی در
حواشی شاهرورد خراسان ظاهر میشوند و
مخصوصاً زوار حضرت تمان لانه را
صدمه میزنند و اذیت میکنند و اغلب مثل سیل
متراکم میشوند و تصور میکنم باید اندک
توجهی موفقیته حاصل شده و کاملاً حل این
قضیه بشود و نفوذ حکومت مرکزی را در
آنجا منتشر و تثبیت کنند.

اگر در این موقع که ملت قدرشناسی
از زحمات آقای سردار سپه کرد مجلس
هم کاملاً نظر موافق دارد این استفاده را
ما اهالی آنطرف نکنیم تصور نمیکند دیگر
یک همچو موقع باین مناسبتی پیدا شود
باین جهت خواستم تذکر بدهم که آقای
سردار سپه یک خدمتی بزوار حضرت تمان-
الانه در این قسمت بکنند و نفوذ حکومت
مرکزی را مثل سایر اقطار این مملکت در
صحرائی ترکمان تثبیت نمایند
رئیس- آقای شیروانی
(اجازه)
شیروانی - یک معمولی شده است
در مجلس که بعضی اشخاصی که قبل از
دستور میخواهند صحبت کنند گفته میشود
ما اساساً بامذکره قبل از دستور مخالفیم
ولی
آنوقت دنبال ولی مطالب گفته میشود
بنده شاید در کمیسیون تجدید نظر در
ناسر مملکت گرفت و باید اصلاحات

نظامنامه داخلی بامذکرات قبل از دستور
مخالف باشم ولی بایک وضیاتی که خنده
نمایندگان (در این مملکت جریان دارد
بنده هم دنبال ولی را میگیرم برای اینکه
وقتی یک مملکتی اوضاعش قابل تنقید شد
باید تنقید کرد .
وقتی تنقید تمام میشود که وضیات
خوب باشد و بهترین اوقات مجلس را بنده
یک همچو موافقی میدانم که حقایق گفته
شود .
بنابراین بنده حق میدهم باغلب
آقایان که یکدوره‌هایی را که می بینند و
میدانند عجالتاً در مجلس بگویند و مقامات
مؤثره را مطلع نمایند . بنده قصد حمله
یا تعرض یا توهین به هیچ شخص یا مقامی ندارم
مخصوصاً هم سعی میکنم کدر تحت یک
مقاصی برنخورم .
بعلاوه بنده مسائل خصوصی یا عناوین
شخصی را صحیح نمیدانم کدر مجلس بین
اشخاص مطرح شود
یک وکیل با وزیر شخصاً اگر طرف
باشد بایایک رئیس اداره بنده صلاح نمی
دانم در مجلس شورای ملی با آنها حمله
کنند زیرا اینجا باید مسائل ملی مطرح
شود و محل شور و مشورت آقایان واقع
شود که مربوط بمملکت و حفظ مصالح
ملت باشد مسائل شخصی مربوط بمخالف
شخصی است
بنابراین عرایض بنده بطور کلی
اصولی و مربوط بیک مسائلی است که می
خواهم برض آقایان نمایندگان محترم
برسانم .
بنده وظیفه خود میدانم که این مسائل
را بگویم و کتمان این عرایض را برای
خودم خیانت بوظیفه خود میدانم آقایان
نمایندگان هم البته هر کدام وظایف خود
را انجام میدهند
سه موضوع مهم بنده را وارد کرده
است که با نظر دقیق بیک قضایا و جویاناتی
که در این مملکت هست نگاه کنیم یکی
اینکه یک خطرات سیاسی بنده در طی یک
جریان است که خیلی علمی است می بینم ممکن
است که بنده اشتباه دیده باشم ولی
خطراتک مبینم
بالاخره بنده می بینم یک برده‌هایی
که شاید درده پانزده سال قبل از این یک
اشخاص بالا کشیده بودند همان برده‌های
خطراتک که مملکت ما امروز با آن خطرات
تهدیه میشد و دنیا آن خطرات را از مازدفع
کرد باز یک اشخاص میخواهند آن
خطرات را متوجه این مملکت بنمایند
این است که باید قضایا گفته شود .
دوم بنده یک خطرات اقتصادی مملکت
خودمان می بینم که برعکس آنچه انتظار
داشتیم یعنی پس از آنکه امنیت کامل سر-
ناسر مملکت گرفت و باید اصلاحات

اقتصادی عقب هراو باید یک خطرات
اقتصادی می بینم
در این باب هم آنچه بنده اطلاع دارم
باید اینجا عرض کنم .
موضوع دیگر هم که بنده می بینم و
باز باید عرض کنم این است که یک هرج و مرج
مرجهای مالی در این مملکت پیدا شده است
که اگر یک قدری جلوش گرفته نشود و
مجلس شورای ملی توجهی نکند احتمال
میدهد که آبه خوبی از این حیث هم
نداشته باشیم
موضوع اول که ممکن است یک
خطر سیاسی متوجه مملکت شود این است
که ممکن است فرض کرد یک سیاستهایی
اقتضا بکنند که بالاخره ایران در زیر
یک فرضهای کمر شکن و یک ورشکستگی
مالی هجیبی دچار شود که بالاخره خودش
خودش را نتواند نجات دهد
ممکنست یک همچو چیزی باشد
امیدواریم که نباشد ولی یک آتاری
که بنده می بینم باید عرض کنم
بنده از یکطرف مبینم که در یک
بانکی بروی ما باز شده بدون اینکه یک
وثائق خیلی جدی از مطالبه کنند ماهر
چه میخواهیم حواله میدهیم .
البته در تأمین این یک اعتباری
است که پیدا کرده‌ایم از یک طرف هم می
بینم در سال گذشته تقریباً متجاوز از دو
حلیون و نیم قرض برای ما باقی مانده
است یک کتابی هم چاپ کرده اند یک صورتی
هم داده که در مقابل این پولهای که قرض
شده مخارجی هم شده است صورتش را
هم بهم آقایان داده‌اند و توی کیف همه
آقایان هست و تمام هم خوانده‌اند و می-
دانند که دو میلیون و نیم قرض برای ما مانده
است اینجا هم گفته شد که خرج شده
است .
البته پول را میگیرند که خرج کنند
امسال هم متجاوز از این مبلغ بنده می-
بینم که مملکت زیر بار کسر میورد
انلا پنجاه و اکثر آن بنده سند دارم
چهارده ماه حقوق ادارات رلیات بتأخیر
افتاده است .
عدلیه ها معارف نظمی .
و حتی دوسه ماه حقوق قشون جنوب
ایران بتأخیر افتاده است .
رو بهر فرقه بنده ایران را فعلاً در مقابل
شش میلیون کسر و محل خالی می بینم البته
این را هم از یک مجله‌هایی می گیریم و خرج
میکنیم .
و اساساً این تأخیر پرداخت و مسامحه
ممکن است یک نتیجه برای اشخاصی که
که بگویند در این ۳ ماه ما در ستون
عایداتمان اینقدر زیاد داریم .
هنیطور که می بینم ۳ ماه ۵ ماه ۱
ماه تأخیر در پرداخت شده است .
یک نتیجه دیگری هم که واضح است

اطلاعات من در این باب کم باشد
ولی از روی تحقیق و رسیده گی ممکن
است آقایان تشریف بفرمایند در یک جاهائی
که مرکز این قبیل مسائل است و به بینند
بنده عجالتاً نباید مشغول بماتم آن کسی
باید مشغول بماتم که میداند و حرف نمی-
میکم .
بعضیها هم ممکن است در مقابل بنده
جوابهایی بدهند .
ولی آن روز که تاریخ مسئولیت هارا
بندایشان میدهد .
بنده مسئولیت ندارم که اینگونه تاریخ
دوازده سال قبل مسئولیت را نشان داده‌است
که بدوش چه اشخاصی است .
یک مسئله دیگر که اضافه بر این قرض
خطراتک و اضافه بر این اعتبار
خطراتک که مایول میگیریم و محاسب جاری
داریم مسئله امر کر عایدات است .
مسئله امر کر اینجا یکی از مسائل
روشن و مهم و حتی یک خدمتی جلو داده
شده
بنده در این باب میخواهم با ذکر عرض
کنم .
این جا گفته شد که یکی از پیشرفت
های بزرگ مالی که ما پیدا کرده‌ایم مسئله
امر کر مالی است .
امر کر یعنی چه؟
یعنی یک پولهایی که در اطراف این
مملکت مفرق است بوسیله یک صرافانی در
یک صرافخانه متمرکز شود .
اصل امر کر این است که پول خورد
در یک صرافخانه جمع شود .
یک نفر شاگرد صراف هم در تحت
اعتبار یک کاهن ها و تکرکرات و در تحت
قدرت یک دولت با عظمت و در تحت ششیر
یک رئیس الوزراه قوی میتواند حواله بدهد
بهر جای مملکت آقا فلان در پول را دولت
میکوبد بنده بفرمان صرافخانه
این معنی امر کر است .
حالا این امر کر بظرف افرات و
تفریط رفته یعنی گفته میشود سرباز هائی
که در بندر عباس هستند باید تأمل نمایند
تا عایدات نواقل یا مستغلات بندر عباس جمع
آوری و برات شود بر مرکز آنها هم معطل
بمانند تا مجدداً از تهران به آنجا برات
شود و حقوق آن هاداده شود .
این دو اثر خارجی دارد یکی تأخیر
پرداخت حقوق .
و اساساً این تأخیر پرداخت و مسامحه
ممکن است یک نتیجه برای اشخاصی که
میخواهند خدمت جلوه بدهند داشته باشد
که بگویند در این ۳ ماه ما در ستون
عایداتمان اینقدر زیاد داریم .
هنیطور که می بینم ۳ ماه ۵ ماه ۱
ماه تأخیر در پرداخت شده است .
یک نتیجه دیگری هم که واضح است

اطلاعات من در این باب کم باشد
ولی از روی تحقیق و رسیده گی ممکن
است آقایان تشریف بفرمایند در یک جاهائی
که مرکز این قبیل مسائل است و به بینند
بنده عجالتاً نباید مشغول بماتم آن کسی
باید مشغول بماتم که میداند و حرف نمی-
میکم .
بعضیها هم ممکن است در مقابل بنده
جوابهایی بدهند .
ولی آن روز که تاریخ مسئولیت هارا
بندایشان میدهد .
بنده مسئولیت ندارم که اینگونه تاریخ
دوازده سال قبل مسئولیت را نشان داده‌است
که بدوش چه اشخاصی است .
یک مسئله دیگر که اضافه بر این قرض
خطراتک و اضافه بر این اعتبار
خطراتک که مایول میگیریم و محاسب جاری
داریم مسئله امر کر عایدات است .
مسئله امر کر اینجا یکی از مسائل
روشن و مهم و حتی یک خدمتی جلو داده
شده
بنده در این باب میخواهم با ذکر عرض
کنم .
این جا گفته شد که یکی از پیشرفت
های بزرگ مالی که ما پیدا کرده‌ایم مسئله
امر کر مالی است .
امر کر یعنی چه؟
یعنی یک پولهایی که در اطراف این
مملکت مفرق است بوسیله یک صرافانی در
یک صرافخانه متمرکز شود .
اصل امر کر این است که پول خورد
در یک صرافخانه جمع شود .
یک نفر شاگرد صراف هم در تحت
اعتبار یک کاهن ها و تکرکرات و در تحت
قدرت یک دولت با عظمت و در تحت ششیر
یک رئیس الوزراه قوی میتواند حواله بدهد
بهر جای مملکت آقا فلان در پول را دولت
میکوبد بنده بفرمان صرافخانه
این معنی امر کر است .
حالا این امر کر بظرف افرات و
تفریط رفته یعنی گفته میشود سرباز هائی
که در بندر عباس هستند باید تأمل نمایند
تا عایدات نواقل یا مستغلات بندر عباس جمع
آوری و برات شود بر مرکز آنها هم معطل
بمانند تا مجدداً از تهران به آنجا برات
شود و حقوق آن هاداده شود .
این دو اثر خارجی دارد یکی تأخیر
پرداخت حقوق .
و اساساً این تأخیر پرداخت و مسامحه
ممکن است یک نتیجه برای اشخاصی که
میخواهند خدمت جلوه بدهند داشته باشد
که بگویند در این ۳ ماه ما در ستون
عایداتمان اینقدر زیاد داریم .
هنیطور که می بینم ۳ ماه ۵ ماه ۱
ماه تأخیر در پرداخت شده است .
یک نتیجه دیگری هم که واضح است

این است که دوجا باید صرف برات بدهند یعنی یک صرف براتی بدهند که یول را بیاورند بر گز و یک صرف براتی هم بدهند که از اینجا دوم تر به براندن جا و فقط ما باین ترتیب میتوانیم یکسرافخانه را از خودمان راضی کرده باشیم.

این تمرکز را بنده علاوه بر اینکه نافع بحال مملکت نمیدانم مضر هم میدانم بالاخره منتهی میشود بهمان شعارات سیاسی که عرض کردم.

اما یک موضوع دیگری که در اینجا خیلی جلوه داده شد و اسباب سرفرازی ما بود تشکیلات منظم مالبه است که گفته شد تشکیلات ما خیلی منظم است بنده متأسفانه برخلاف این عقیده هستم.

چون اگر تشکیلات مالبه این مملکت را مقایسه نمایم بایدترین روزها هیچوقت تشکیلات مالبه ما هیچ صورتی نداشته است و همین تشکیلات است که بنده اگر اینجا تقاضا نمایم یک کمیونی از مجلس انتخاب شود یک سال هم فرصت داده شود پس از یک سال کسی نیست که بتواند حساب پس بدهد.

ولی دیرباز و معلوم میشود خیلی طول نمی کشد سه ماه یا چهار ماه بیشتر طول نمیکشد و آخر یک روزی بای حساب بیان می آید.

همه اش که بحرف من و کسی دیگر نیست البته روزمعل می آید و آنروز که رسید بعقیده بنده معلوم خواهد شد که امر روز ما چهار بدترین تشکیلات مالبه بوده ایم و همین تشکیلات غلط است که بالاخره چهار میلیون بودجه برای ما درست کرده است.

همین تشکیلات است که مملکت را بحرف ورشکستگی سوق میدهد و بعقیده بنده یک سیاستی اقتضا کرده است که ما با این طرز هواناک بحرف ورشکستگی برویم این وضعیت داخلی خودمان آنوقت دردنیای ما بالنسبه مختلفه شهرت پیدا میکند که ایرانی یک ملت نالایقی است ایرانی نمیتواند خود را اداره کند و بالاخره یک حرفهائی زده میشود که من نمیخواهم تکرار کنم این حرفها چایم میشود و بزبانهای خاربی هم ترجمه میشود در کتابهای قطور بتمام دنیا هم میرود.

عدم اعتبار و سوء خلق بی اساسی ادارات و مراکز قانونی مملکت هم در تمام اقطار عالم منتشر میشود و آنوقت ما منتظریم که یک مسائلی که یک مسائل اقتصادی هم طرف ما دو آور شود و از دنیا هم دست دعوتی بحرف ما دراز شود.

بلی حرفی میزنیم مقاله هم می نویسیم لکن در عمل معکوس میشود و در پایان تمام مقدماتیکه عرض کردم یکوقت در توی همین مجلس صدا بلند میشود که ایرانی لیاقت اینک خود را اداره کند ندارد.

و زد است ...

بعضی از نمایندگان - (بطور همهمه) اینطور نیست.

شیروانی - اجازه بدهید. پریروز میخواستید اینطور حرارت بخرج بدهید. در اینجا گفته شد که خارجی ها آمده اند جلو دزدی ما را بگیرند ...

(همهمه نمایندگان)

شیروانی - اجازه بدهید. صورت مجلس حاضر است.

در اینجا یک همچو حرفهائی زده شد و بنده هم بهمان مناسبت و برای شنیدن همین حرفها آمده ام اینجا حرف بزنم و بنده بیشتر از آقایان از شنیدن این حرفها عصبانی هستم که آمده ام در اینجا.

این حرفها زده شد و بنده متقدم کسی که این حرفها را از روی عقیده بزند باید دهانش را خورد کرد.

ایرانی نالایق است؟ خیر لایق است هیچ اجنبی و اجنبی برستی هم حق ندارد این حرفها را بزند و هیچ اجنبی هم حرفهائی بر ایرانی ندارد.

یاسانی - این حرفها هو است منطبق نیست.

شیروانی - یک نکته دیگر که در این مجلس جریان دارد.

اینست که در مقابل یک قوههائی برای حفظ موازنه سیاسی یک قوههای دیگر هم باید داشت.

بنده زیاد اینجا باز نمی گفتم چون صاحبان این عقیده بیشتر آنجا توی راه دورها و توی آن یستوها و گوشهها این حرفها را میزنند.

اینجا کسی نیست که باید و بگوید در مقابل یک قوه برای حفظ موازنه سیاسی یک قوه دیگر را باید درست داشت و آن قوه را هم بالاخره یک قوه اجنبی و خارجی فرض کنند و بالاخره برای نگاهداری موازنه سیاسی دوتا قوه را با هم نگاهدارند که یک روزی آن یکی را بر ضد این یکی استعمال کنند این حرف هم گفته میشود من از خیلی دهنها این حرف را شنیدم ولی وقتی تمام اینها را روی هم جمع کنیم میبینیم که یک شعارات سیاسی در زیر عدم اعتبار و سوء خلق بی اساسی ادارات و مراکز قانونی مملکت هم در تمام اقطار عالم منتشر میشود و آنوقت ما منتظریم که یک مسائلی که یک مسائل اقتصادی هم طرف ما دو آور شود و از دنیا هم دست دعوتی بحرف ما دراز شود.

حالا چه طور باید روشن شود. ممکن است که ما اشتباه کرده باشیم یا میکشد یک نفر از آقایان یا یک دسته دیگر به اشتباه رفته باشند.

بالاخره باید روشن شود گذشته از اینکه مملکت وقتهای هنر بز نش تلف شده

وزارتخانه رفت و گفتن باز کرد و صدمه دید و بالاخره رفت

عماد السلطنه - بر میگردد شیروانی - خیلی خوب انشاء الله ممکن است نذر هم بکنیم که بر گردد عجلان که گفته است این یک مسئله ای بود یک پیشنهادی داده شده بود ممکن هم بود عیوباتی داشته باشد ولی بالاخره چندین مرکز قانونی باید طی کند

اما بگم تبه از روی میز مجلس گرفته شد و رفت توی سکتوی میز آقا و آنجا خوابید

دیگر ما نمیدانیم چه شد هر کسی هم بیرسد جواب داده نمی شود

یک کپانی دیگر هوا بیانی آمده است اینجا سه چهار ماه است با دولت داخل مذاکره شده و در تمام جاها گیرهای خودش را رفع کرده است چه کرده است آو کار گرفته است تا بالاخره رسید است و میز آقا آنجا مانده است

یکی دیگر از مسائلی که در اینجا نمی دانم آقا از باب چه نظری داشتند که این فرمایش را کردند و آقا آنرا هم بخشیده مسئله راه بندرز بود

آقایان شاید غالباً بدانند این شخصی که آمده است امتیاز راه بندر جن را می خواهد در تهران برسد است

حالا مانده است و بر سر شده است بنده غالباً در کمیسیون فواید عامه موادی میدیدم که صراحتاً بر سر این آدم است میگفتم خوب شاید این شخص اینجا زیاد مانده است چون هم بر سر زده آخرین این شخص را دیدم و گفتم بعضی مراد این امتیاز نامه بر سر تو است گفت من تمام فکرهایم را کرده ام

من باید این را از یک گیرهائی رد کنم تا بالاخره بیاید توی مجلس آنجا آقایان و کلاً میبینند و در اطرافش صحبت میکنند درست میشود بالاخره باید و کلاً یک کاری بکنند

این بیچاره دیگر از دست وزارتخانه ها خسته شده بود و اگر میگفتند بکار سی منی هم روی دوشش بکشند و برود میبرد

بالاخره این امتیاز نامه آمد به مجلس و چند ماهه اش هم در اینجا مطرح شد بعد با یک طرز بی ادبانه و برخلاف اصول پارلمانی آمدند و در وسط کرا این لایحه را از دست گرفتند و بردند و بالاخره نتیجه اش هم این شد که گفتند یک امریکائی در چند سال قبل آمده است اینجا و اینسون داشته است حالا شاید ناما به بینیم آن امریکائی ایستوش را تجدید میکنند یا نه؟

در هر صورت ساختن راه بندر جزء درجه سایر اصلاحات اقتصادی ما درن شد حالا اثرات

این چه چیز است؟ راههائی که ما داریم باین درخواست بازی که در وزارت مالبه معمول است حالش معلوم است راه رشت و ابرف گرفته و مسدود کرده است پول میخواهند که هله بگیرند و راه را باز نمایند باید درخواست بدهند و سیر قانونی خودش بکنند

چند وقت؟ تقریباً سه چهار ماه طول میکشد تا اینکه بهار بشود و هوا خوب بشود درف ها هم آب بشود و همور و مرور مسالین باز شود؟؟

بروید به پیشبند الای نه نیست متوالی در رشت روی هم خوابیده است و درخ است هنوز در وزارت مالبه امضا نشده است که بروند و راه را باز کنند

من جلو گیری از این مسائل راه سده نمیدانم ممکن است آقایان ساده بنظرشان بیاید

ولی بنده نمیدانم و برای اینها هم گری غیر از این مراگز قائل هستم و بفرمایش آقای مدرس یکدست غیبی را در این جور کارها می بینم که اینکار هارا میکند

هر امتیازیکه آمده اینجا و در توی مجلس بجز این و عمل افتاده دو مرتبه بر گشته است و امتیاز رب سوس - سیم نقاله راه بندر جزو غیره

حالا ده برابر اینها که اینجا می آید در توی وزارتخانه ها خفه شده است و جلوی تماشش را گرفته اند. شا اگر مر اجبه کتبه وزارتخانه های خور تان چه وزارت فواید عامه چه وزارت پست و تلگراف می بیند که کارها در آنجا خوابیده است و بفرمایش آقای یاسانی در دوره چهارم نبوده ام و دوره چهارم هم ممکن است در یک تنگنائی گیر کرده و ولی آقا بالاخره باید این اختیارات نامحدود باشد؟

آخریک موید دیگری هم در آنجا بوده است

بمجلس نوشته میشود که اگر اجازه ندهید من پیام آنجا نقتیش کنم حقوق پارلمان را نمی دهم

خیلی خوب

برئیس الوزرا نوشته میشود که شنیده ام کثرتت مسیو پیرا که میخواهد رئیس پست بشود هما خیال دارد تجدید نمایند

اگر این موضوع صحبت داشته باشد کار را می کشید خیلی خوب

اولا بنده نمی دانم که آیا یک ما در تمام کثرتت ایشان هست که حق پروتست داشته باشند؟

عماد السلطنه چرا هست

شیروانی - که بنویسند پروتست می کنم؟ بنده که گمان نمیکنم در دستر کثرتت ایشان بگماه باشد که حق پروتست داشته باشند و صراحتاً یک وزیر بنویسند پروتست میکنم بنده همجوراده و سراغ ندارم.

از این پروتست ها بطور شب نامه هم برای یک عده اشخاص فرستاده شد.

این روزها در کثرتت ایشان تجدیدام یک چیز دیگر هم هست که آقایان باید توجه بفرمایند و آن این است که برخلاف نص صریح ماده دوازدهم کثرتت آقای دکتر میلیسیو که نباید با هیچ مقام خارجی مکاتبه نمایند سواد این پروتست را بفرستد خانه هاهم فرستاده اند.

ناصر الاسلام - سر کار از کجا فهمیده اند؟

شیروانی - وزیر مختار آلمان می رود توی وزارت فواید عامه که آقا این چه چیز است که برای من فرستاده اند؟ این هارا بنده ساده تلقی نمیکنم. ممکن است یک اشخاصی ساده تلقی کنند ولی بنده اینها را ساده تلقی نمی کنم ممکن است بعضیها خیلی ساده تصور کنند که یک مستخدمی حق داشته باشد وزارتخانه ها کفایت بنویسد و پروتست کند.

پس قارتخانه ها کفایت بنویسد و پروتست کند ولی بنده همچو حق را قائل نیستم خوب است آقایان تعقیب نمایند که بچه مناسبت یک سفارت خانه کافذ نوشته است؟ گفته می شود یک اختیاراتی داده ایم خیلی خوب.

بنده هم بفرمایش آقای یاسانی در دوره چهارم نبوده ام و دوره چهارم هم ممکن است در یک تنگنائی گیر کرده و ولی آقا بالاخره باید این اختیارات نامحدود باشد؟

آخریک موید دیگری هم در آنجا بوده است

بمجلس نوشته میشود که اگر اجازه ندهید من پیام آنجا نقتیش کنم حقوق پارلمان را نمی دهم

خیلی خوب

برئیس الوزرا نوشته میشود که شنیده ام کثرتت مسیو پیرا که میخواهد رئیس پست بشود هما خیال دارد تجدید نمایند

اگر این موضوع صحبت داشته باشد کار را می کشید خیلی خوب

اولا بنده نمی دانم که آیا یک ما در تمام کثرتت ایشان هست که حق پروتست داشته باشند؟

عماد السلطنه چرا هست

نوشته است که اگر شما کثرتت مسیو پیرا تجدید نمایند من حقوق وزارت چ چیز است؟

باید مملکتی که نمی شود بازی کرد بدلیه نوشته است:

این صین عبارتی است که نوشته است (احکام عدایه نزد من قدر و قیمت ندارد)

چه حق دارد یک همچو چیزی بنویسد کدام ماده قانون ایشان این اجازه را داده است.

یک نفر از نمایندگان - دو چه موضوعی بوده؟

شیروانی - موضوع موول را که همه آقایان میخوانند باز بدلیه نوشته شده است که اگر محکمه استیناف بر علیه مزول رأی بدهد حقوق عدلیه توقیف خواهد شد.

این روشی است که خیلی هم نمی شود ساده تلقیش کرد اول مجلس را زمین میزند.

بدرئیس دولت را بمذوزارت عدلیه رایعه دست بگیرینان وزارت خارجه میشود از آنجا که خلاص شد پست و تلگراف را خورد می کند.

از آن جا هم می رود سر وقت وزارت فواید عامه و کار تمام میشود.

ایرانیها هم مردمان معقول و خوبی هستند و صرف نظر میکنند.

همین طور که تا حالا صرف نظر کرده اند خیلی خوب. یک اشخاصی ممکن است صرف نظر نمایند.

ولی بعضی اشخاص نمیتوانند صرف نظر نمایند و این قضایا را ساده تلقی کنند که اینها بیایند تمام وزارتخانه ها را مطلق خودشان بکنند.

شاید همه آقایان بدانند که بنده شخصاً با آقای مفسر الدوله مخالف بودم و شاید ایشان را بعقیده خودم آدم خوبی ندانم و شاید هم کثرتت شده باشد که چه در مجلس و چه در روزنامه ایشان حمله نکرده باشم و حقیقتاً اگر غیر از این وسیله که انتخاب کرده ام برای اداختن ایشان بنده با هر وسیله که می خواست ایشان را زمین بزند موافق بودم.

ولی بالاخره یک نفر ما دون حق نداریم باوق خود بنویسد عملیات ننگین. بمعاون یک وزارتخانه حق ندارد الفاظ خارج از نزاکت بنویسد همانطور که اینجا گفته میشود شما خارج از نزاکت نشوید بنده هم بیک اجنبی ولو هر قدر هم بزرگ باشد حق نمی دهم که بیک حمال ایرانی توهین کنید.

چه حق دارد؟ خیلی خوب؟ مالدروانغ یک مندوب سامی برای مالبه آورده ایم این که نمیشود.

بنده حالا یک اوضاعی که در مالبه جریان دارد و خدمت آقایان عرض میکنم تا به بینند این حاجه چیز است. ممکن است تعقیب بفرمایند.

اولا یک متحد آلمانی در برج میزان در حدود نمره ۲۹۷۴ یا ۲۹۷۳ نوشته شده است که آقایان و کلاً هر کدام اگر کارهائی با ادارات مالبه دارند آن کارها را ادارات مالبه با سرحت انجام بدهند.

یک ایستنی هم بآن متحد المان سنجاق شده بود یک اسامی هم نوشته شده بود.

قبل از این قضیه مخصوصاً اگر خاطر آقایان باشد اگر یک روزی اینجا بنده کافذی که پنج شش ماه بطول جریانی پیدا کرده بود تا جوابش از وزارت مالبه رسید برود اینجا خوانند روز بعدش این متحد المان صادر شد که کافذ و کلاً را زود جواب بدهند و بنظر هم شده از پنج روز جواب کافذ رسید.

اول پنج ماه بود بعد پنج روز شد حالا بنده میخواهم به بینم فرق و کیل یا سایر افراد مملکت چیست؟ کافذ و کیل را زود جواب بدهند. کار و کیل را هم زود انجام بدهند ولی سایر مردم بدبخت هر قدر میخواهند بیایند توی وزارتخانه و این طرف و آن طرف بدونند ر معطل بشوند !!

و کیل یک حقوق معینی دارد در جای خودش ولی در سایر مسائل مملکتی شریک است با افراد مردم و رجحانسی ندارد.

این است که بعضی اوقات این حرفها بیشتر آدم را طعن میکند.

چند روز قبل متحد المالی ادارات مالبه صادر شده که چون وزارت مالبه در نظر دارد روزنامه تأسیس نماید این است که شما نویسنده ها و کافذها تان مسائلی که قابل نوشتن در روزنامه باشد آن ها را نفرستید با دلوه پرسنل برای اینکه در روزنامه که میخواهند بنویسند مسائل مفید درج و منتشر شود.

بنده اولاً در کثرتت آقایان همچو ماده ندیدم که اجازه بدهد آقایان کتاب چاپ کنند و بزبان و تمام دنیا هم بفرستند و در آنجا هم فحش بایرانی ها بدهند و بالنسبه خارجه هم ترجمه کنند

عرض کردم همچو ماده بنده در کثرتت ایشان ندیدم فقط در کثرتت ایشان می نویسد هر سه ماه سه ماه راپورت عنیات خودشان باید بدولت و بوزیر مافوق خودشان بدهند و در پست جا هم نوشته شده است که باید در تحت تعلیمات وزیر مافوق خود باشند.

اما اینکه تکلیب میکنند که غیر خراج این کار بیست هزار تومان شده است .

بنده با آن زحماتی که صرف اینکار میشود و با آن اوقاتی که اجراء ادارت مایه مرکز و ولایات صرف تهیه این راپورت میشود آن هم با این طرز ظریف و قشنگ وقتی قلم دست گرفته شد و خواستند حساب کنند بنده ثابت میکنم که بیست هزار تومان هم بیشتر صرف میشود . حالاً هزار تومان باشد کجا تصویب شده ؟

چطور وقتی شما میخواهید بیست تومان بیک عضو وزارتخانه بدهید باید تصویب مجلس باشد .

کی این اجازه را با ایشان داده است برای چه این خرجهای باین هنگفتی را گردن این مملکت میگذازند؟ انگلیسی برای چه چاپ میشود

کی گفته است؟ اینها يك چیزهایی است دیگر!!

رایرت اساساً یعنی چه؟ یعنی رایرت عملیات را باید بمافوق خود بدهند و دستور بگیرند .

یکروزنامه غیر مستقیم مایه که داریم که هر کس بر علیه مستشار حرف بزند این روزنامه همیشه مضافه فحش میدهد مدیرش هم عضو وزارت مایه است حقوق میگردد روزنامه هم دارد همین طور همین طور هم فحش میدهد يك مجله هم دارد .

(مجله علوم اقتصاد) بیست فرادهم يك روزنامه بیرون می آید که بالاخره مال وزارت مایه است .

راپورت سه ماهه هم داریم که مال وزارت مایه است شب نامه هم کسسه میاندازند .

چیز عجیبی است آقایان تصدیق می فرمایند که بهترین وزارتخانه ها و ادارات ما که مرکب بوده است رست و تلگراف و تادو دو سال پیش مسئله خوبی این ادارات ضرب المثل بود گمرکش را یکفهری مقنوم کرده و هنوز نگذاشته اند خراب بشود ولی رست و تلگراف ما آریا هیچ شباهت دارد بسی خانه بکلی فلج شده و خراب شده چیز عجیبی است اینها تمام مواظب بوده اند که هر جایک اصلاحی میخواهد بشود جلوش را بگیرند حمل و نقل بوده است نگذاشته اند راههای شوسه بوده نگذاشته اند تبرالان یکسال است .

تبر چرانداریم؟

يك کسی آمده گفته است میخواهم به افتخار قرن هشتم عرض کنم که تبرای چاب

کم از این کار هم میخواهم یکدخلی بدم (تجارت است دیگر)

گفته است میخواهم در تحت نظر دولت و تعلیمات دولت اینکار را بکنم و بالاخره با اجازه دولت و تصویب نامه هیئت وزراء هم رفته تبر را آورده آنوقت - گفته اند ماموف نیستیم

تومیخواهی استفاد بکنی مثلا يك کسی میخواهد امتیازی بگیرد میگورند تومیخواهی استفاده کنی؟

مثلاً اینکه نذر کرده است که ضرر بدهد آنوقت برداشته است در ۱۴ جوزا نوشته است که آقا قسمت استفاده اش را من فعلاً صرف نظر میکنم تا يك کمی بپونی از مایه و وزارت رست و تلگراف با حضور چند نفر از وکلاء تشکیل شود

اگر رای دادند که من حق دارم آن وقت استفاده میکنم عجباً قرن هشتم عمر شپام را نگذارید بگذرد و از میان برود همه آقایان میدانند که مسئله شئونات این شاعر ما در تمام دنیا چیست و مقاماتش چیست و تمام دنیا این جشن را گرفته اند و مایه بچشن را توقیف کرده ایم و تبر افتخار او هم توقیف شد و بیرون نیامد ممنوم است بشهرای ما هم باند

آقای یاسائی هم از اوضاع مایه های ولایات تمجید و تعریف فرمودند که خیلی خوب شده

بسیار خوب من احتمال میدهم که اوضاع مایه قلمرو ایشان سمنان و دامغان خیلی خوب شده باشد

ممکنست مایه سمنان و دامغان و چندق و بیابانک خیلی خوب شده باشد و من خیلی مسرورم که یکی از نمایندگان محترم این رضایت را دارند که عجاتا نقل رو ایشان وضع مایش خوبست

ولی متأسفانه بنده وضعیت مالی قلمرو و کالتم خیلی بد است

اهالی قمشه الان در تلگرافخانه متحصن هستند و از دست امین مایه هر روز تلگراف میکنند

در ابرقوتومانی دهشاهی بیشتر از جاهای دیگر میگورند

از برخواورد اصفهان شکایت می کنند که میزبی میکنند

قانون میزبی هنوز جز در دست شماست و هنوز نگذاشته و شاید هم در این مجلس نگذرد ولی وزارت مایه مشغول است میزبی میکند

اردستان شکایت میکنند که خانواری را دارانند از ما بگیرند

شما اینجارد کردید آنجا میگیرند

قشار هم میآورند تلگراف هم شاید برای آقایان شده است که اینجای خانواری را

میخواهند و مطالبه میکنند در صورتی که شما اینجا رد کرده اید

عجائلاً اگر کار بدهی هم کرده مجلس بوده است و رای داده ورد کرده و نباید گرفته شود

رای مجلس باید مورد اطاعت هر کس باشد مجلس در قضایای مالی حاکم است

این يك حق را اقلاً از مجلس نگورند نظارت مالی حق مجلس است

اقلاً این حق نظارت را از مجلس نگورند مجلس رد سکرده ولی اطلاع دارم مخصوصاً بعضی مهلها تلگراف شده که سریم بگیرد که تاخیر مجلس به آنجا نرسیده است زودتر کلک مردم میکنند

شود

ایشان حالا راضی هستند که در سمنان و دامغان وضعیت مایشان خوبست

بنده خیلی مسرورم در ضمن فرمایشاتشان آقای یاسائی بی لطفی فرمودند و تمام تقریرات را گردن مجلس انداختند و گفتند علاوه بر اینکه ایرانی نمیتواند خودش را اداره کند مجلس برانهم مقصر است در مقابل آقایان

نمیدانم در صورتیکه بنده مجلس را مقصر میدانم

مجلس در تمام قضایا با آنها مسامت کرده

اگر يك کسی هم خواسته است این جا حرفی بزند جلوش را گرفته

بنده خواستم چندین مرتبه حرف بزنم مخالفت شد منم اطاعت کردم

میفرمایند ما بدست آنها قانون نداده ایم در صورتیکه آقا چون در عدلیه بوده اند از قوانین مملکتی باید بیشتر اطلاع داشته باشند يك کتاب با آن بزرگی مربوط به وزارت مایه است

دیوان محاسبات قانون محاسبات عمومی قانون وظائف

اینقدر قوانین مربوط بمایه وضع شده است و تمامش را زیر لگد خودشان گذاشته اند و یکیش را هم اجرا نمی کنند و نمیگذارند اجرا شود

بنده اگر میخواهم وضعیات را تماماً شرح بدهم

بعقیده بنده باید يك ماه حرف بزنم و بتوانم این تفصیلی که عرض کردم و اسباب تصریح آقایان را فراهم کردم (بعقیده خود بنده است)

بنده جداً طرفدار مستشار هستم و جداً طرفدار این هستم که این مملکت مایه اش مستشار لازم دارد و مخصوصاً هر طرفدار

این هستم که حتی الامکان باید مستشار آمریکائی داشته باشیم . و اگر نشد از يك مملکت کاملاً بی طرف مستشار بیاریم و با اگر بتوانیم آقا با انرا هم نگاه بداریم موافقم که يك تمجید نظری در اختیارات آقایان شود و از این عملیات جلوگیری بشود و بالاخره مجلس حاکم باشد .

آقایان اگر دلشان میخواهد جدم همه وزارتخانه را بگورند باشد آقا اما اگر موافقت که يك قوه در مقابل يك قوه باشد .

ولی در مقابل این قوه نباید قوه باشد و باید از مجلس اطاعت نمایند

عرض کردم مسائل شخصی غیر از مسائل عمومی است .

از بنده نباید اطاعت نمایند من اگر يك دهوائی دارم حتی حضرت آقای تدین هم با او بکهرهای شخصی دارند همانطور که گفتم در بیرون ولی رای مجلس را بطور کلی باید اطاعت بکنند ولی تا حالا متأسفانه اینطور نبوده است .

رئیس - آقای شوشتری (اجازه)

آقا سید محمد علی شوشتری - يك قسمت از عرض بنده را آقای شریعتدار دامغانی فرمودند .

وضعیات و حالات و اخلاق ترا که که قبلاً معلوم بود لیکن اخیراً شروع به کارهایی کرده اند که الزام کرد آقای دامغانی یا بنده را که از مجلس شورای ملی وهم از دولت درخواست کنیم بطوری که دولت نفوذش را در اقطار مملکت و جاهای بینه تثبیت کرده و قوه تأییدیه کاملاً در همه شهرها حکم فرما شده

آنجا را هم مثل سایر شهرها در نظر گرفته و يك ترتیباتی برای آنجا بدهند . از عملیات ترا که اغلب آقایان اجمالاً مستعززنند

ولیکن بنده مفصلاً میدانم و بطوریکه یا ارسال شش ماه خودم در محل بودم و نقیض کرده ام

اگر قسمتی از آنرا بمجلس شورای ملی تلگراف بدهم حقیقتاً باعث رفت و گریه آقایان است اینست خلاصه اش

در حکومت امیر احتشام در مدت شانزده ماه سیصد و هفتاد نفر از اهالی شهر استرآباد و اطراف استرآباد بدست ترا که مقتول شدند .

در حکومت آقای ظاهر الملک در صورتیکه مدت زیادی هم طول نکشید متجاوز از صد و چند نفر باز بدست ترا که مقتول شدند

آقای شریعتدار فقط راجع بزوار حضرت ثامن الائمه صلوات الله علیه و آله تذکر دادند که در يك قسمت از چند قسمت صحرای ترکمان زوار دو چارفتار هستند ولیکن اهالی را میان - فندرسک - کتول

دهات ملک حاجی ار - و سایر نقاط از اندران و استرآباد و تمام سواحل بحر خزر دوجار (عرض می کنم) مبتلای زحمت و فشار و قتل و غارت در هرجت هستند و تصور می کنم بطوریکه آقای سردار سپه و مجلس شورای ملی که امروز (عرض میکنم) با يك توحید مسامی کاملاً برای بسط و توسعه نفوذ دولت و ملت در تمام مملکت نظر داشته و دارند (عرض می کنم) مجلس شورای ملی بایشان تذکر بدهند که حتماً از همین امسال شروع بفرمایند تا شاید این يك قسمت از اهالی این مملکت هم از نعمت امنیت بهره مند شوند .

رئیس - آقای ارباب کیخسرو و بنده مینویسند که آقای شیروانی در ضمن نطق خودشان شرحی نسبت بایشان گفتند که لازم است توضیح بدهند .

عماد السلطنه - بنده هم اجازه میخواهم جوابشان را بدهم .

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - اینجا چون آقای شیروانی در ضمن بیانشان راجع بامتیاز راه پندر جزو امغان اسمی از بنده برده و اظهار داشتند که ندانسته اند نظریه بنده چیست گمان می کنم اگر توجه فرموده باشند بنده همانطور عرض کردم که رئیس کل مایه يك ورقه منتشر کرده حاکی از اینکه در آن امتیازیکه بمجلس آمده است ایشان نظر نکرده اند و اگر چنین است بهتر این است بفرستند ایشان نظریات خودشان را اظهار کنند غیر از این چیزی عرض نکردم و نظری هم فرمایند

رئیس - آقای افشار (اجازه)

افشار - چون بعضی از آقایان فرمایشاتی کردند برای اینکه وقت مجلس کم است بنده خیلی معتصر عرض میکنم؛ چهار ماه است بنده دو سؤال از وزارت مایه کرده ام و هنوز برای جواب حاضر نشده اند .

اگر از وزارت مایه فرانسه هم سؤال می کردم و تقاضای کردم که بمجلس ایران بیایند تا بحال آمده بودند ولی ایشان دو قدم راه را نیامده اند و حقیقتاً اگر چنانچه در مملکت فرانسه بود ایشان را تا اکنون چهار مرتبه استیضاح کرده بودند .

رئیس - آقای عماد السلطنه - (اجازه)

عماد السلطنه - اگر چه بنده خیال نداشتم در این موضوع يك صحبتی بشود و حقیقتاً هم از این مذاکراتی که پیش آمد شخصاً خیلی خیلی متأسفم و در فین حالیکه پیش خودم تشخیص داده ام وجود مستشارهای آمریکائی برای مملکت ما خیلی مفید است و از این نقطه نظر هم از آنها طرفداری میکنم در همان حال هم

تصدیق ندارم که نسبت بیک نفر نماینده محترم با يك فردی از طرف آنها توهینی بشود و از این سوء تفاهمی که در بین ایشان و آقای تدین رخ داده واقماً خیلی متأسفم و امید دارم بطور خوشی رفع شود . اما امروز اظهاراتی که آقای شیروانی کردند چون يك قسمت هایش را اگر ما جواب ندهیم و بسکوت بگذرانیم بنده کاملاً مضربعدانم این بود که اجازه گرفتم جواب عرض کنم تا اگر برای بعضی آقایان هم اگر اشتباهی هست رفع شود . اینجا اولاً آقای شیروانی يك اظهاراتی کردند که بنده شخصاً از آن خطرات اطلاعی ندارم اگر ایشان اطلاعی دارند البته حق داشته اند اظهار تکرانی بفرمایند

ولی چون شخصاً بنده خطری را متوجه مملکت نمیدانم و آن مسائلی را که ایشان ذکر کردند هیچ نشنیده ام یا اینکه داخل آن موضوع نمیشوم

اما راجع باینکه فرمودند يك بانکی برای ما باز است که هر چه میخواهم بگیریم بنده که يك همچو بانکی را سراغ ندارم و تصور نمیکند که يك همچو بانکی هم در جایی باشد

در ضمن فرمودند که در سال گذشته ما دو میلیون ونیم قرض پیدا کرده ایم اگر چه در ضمن مذاکرات راجع به بودجه مملکتی توضیح دادم و بعد هم مطالب کاملاً معلوم شد

ولی باز عرض میکنم که این يك چیز تازه نیست .

در نتیجه همان نمر که عایدات و تصفیه محاسبه گذشته (که بعقیده جناب عالی شاید خوب نباشد و بعقیده بنده خوبست) يك موقوفه ما و یک قروض گذشته در وزارت مایه موجود بود و اینها را در موقتی که که مستشارهای آمریکائی آمدند بکجا کردند و بکنداری از آنرا هم پرداخته اند و حساب یکجا شد و الا این یک چیزی نیست که در زمان اینها احداث و ایجاد شده باشد این یک چیزی است که بوده است و از سابق يك مستمریات و حقوقاتی است که با ادارات دولتی داده میشده است و صورتش هم در وزارت مایه حاضر است

عنقریب هم بمجلس می آید طبع و توزیع هم میشود آقایان ملاحظه خواهند فرمودند که اینها یک چیزهای تازه نیست و موقوفه های گذشته است . و در ضمن فرمودند که در ولایات اطلاع دارم که چهار ده ماه حقوق عقب افتاده است شده که هیچ اطلاع ندارم و آقایان نمایندگان هم که اینجا تشریف دارند و چهارده ماه پیش از این همه در ولایات خودشان بوده اند و تا بحال هم که اینجا هستند تصور نمیکند يك همچو شکایتی برای ایشان رسیده باشد چهارده ماه حقوق داده نشده باشد و همچو

چیزی تصور میکنم مبالغه باشد (بعضی از نمایندگان متعجب است)

یکی دیگر اینکه پیش بینی کردند که امسال دو میلیون ونیم قرض خواهیم داشت و نتیجه گرفتند که در آخر سالش میلیون قرض خواهیم داشت این حساب را من نفهمیدم از کجا کردید ؟ و چرا امسال دو میلیون و نیم کسر خواهیم داشت ؟

و بالاخره چه خواهد شد که ما شش میلیون قرض خواهیم کرد ؟

و بنده بجناب عالی اطمینان میدهم که از همان بودجه که در مجلس تصویب کرده اید يك دینار علاوه بر آن بمصرف هیچگونه خرجی نخواهد رسید

(بعضی از نمایندگان - صحیح است)

باز در ضمن اظهار فرمودند که یکوقت تا کلاه خودمان را چرخانیم ببینیم چهل میلیون قرض دادیم

این هار من انتظار نداشتم ایشان اظهار بفرمایند چون با فراق بیشتر شبیه است تا يك حقایقی اما شرحی راجع بشمرکز عایدات فرمودند .

نمر که عایدات آن طوری که تفسیر فرمودند نیست مقصود از تر که عایدات این است که عرض میکنم

سابقاً هر اداره هر وزارتخانه جدا جدا يك دخلی داشت و يك خرجی داشت که با آن دخل خرج خود را اداره میکرد و اگر در آخر سال میخواستند بفهمند که عایدات آن چقدر است و مخارج چقدر دچار اشکالات و زحماتی میشدند و چندین صد حساب را باید رسیدگی کنند و بالاخره هم شاید نصف دهند

اما مقصود از تر که عایدات این است که امروز وزارت رست و تلگراف و تلفن خودش حق ندارد از عایداتش بردارد مخارج کند باید تمام این عایدات در يك اداره متمرکز پیدا کند و از آنجا بگیرد و خرج کند و این راهم گمان نمیکند کسی باشد که مخالف این امر باشد که عایدات آنچه هست در يك جا جمع بشود و از یکجا پرداخته شود

باز ضمناً اظهاراتی فرمودند راجع بتشکیلات که اگر از مجلس تقاضا کنیم يك کمیسیون معین شود و برویم بوزارت مایه يك سال هم اگر زحمت بکشیم نمیتوانیم حساب بکنیم

اینرا بنده هم تقاضا میکنم و خواهش میکنم که يك کمیسیون معین شود و هر حسابی را که مشکل تر از آن نمیدانید بیابید برویم در وزارت مایه و در ظرف بیست و چهار ساعت آن حساب را بشما تعویل می دهم

یاسائی - صحیح است

عماد السلطنه - آن حساب را بیاورید

مجلس این يك دعوی است که شما میکنند بنده هم این دعوی را میکنم مجلس کمیسیون راه معین کند .

شما می گوئید در ظرف یکسال من در ظرف بیست و چهار ساعت هر حسابی را میخواهید بدهم .

نامعلوم شود این ادعائی که شما میکنید صحیح است یا این که بنده عرض میکنم اما اینکه فرمودند هفتاد میلیون توسط يك عده خرج شده است و باید ببینیم نتیجه اش چیست ؟ بنده که نفهمیدم اولاً هفتاد میلیون کجا بود ؟ سه سال را حساب کردید سه بیست و سه میلیون و فرمودید هفتاد میلیون اولاً سه سال تمام نیست که اینها اینجا هستند و علاوه بلکه عایداتی وصول شده و به صرفار يك ادواتی رسیده است .

نتیجه اش را میخواهند . نتیجه اش این است که مجلس شورای ملی يك برج بیشتر حقوق طلبکار نیست .

نتیجه اش این است . که همین مجلس شورای ملی در دوره چهارم هفتاد و شش حق طلبان بود و نتیجه گرفتن و دادن این است که حالا مجلس یکماه طلبکار است و سایر وزارتخانه ها هم یکماه بیشتر حقوق طلبکار نیستند .

نتیجه اش این است . پس چه میخواهید باشد ؟

توقع داشتید که از همین عایدات قبلی که ما داشتیم و این مخارج کزانی در مقابل داریم تا حالا بیست تا کارخانه قند سازی هم برای ما از این محل ساخته باشند این عایداتی که ما داریم همینقدر بود که وصول شود و بمصرف همین مخارج جاری و بودجه مملکتی برسد .

اما راجع ببیشنهادهام

اینجا راجع باین مسئله چندین مرتبه هم شما وهم آقای آقا سید بمقرب اعتراض کردید این مسئله وحشت ندارد (بنده شخصاً عقیده خودم را عرض میکنم)

مگر ما ضامن هستیم که هر پیشنهادی هر خارجی می کند ما بپذیریم؟ نه اگر پیشنهاد مضربحال ما باشد نباید بپذیریم مستشار هم ما برای این آوردیم .

آقا سید مقرب - مستخدم بفرمایند مستشار این را دیگر نمیدانم

عماد السلطنه - رئیس کل مایه همان کسیکه این اختیارات را شما باز داده اید و ما برای این آورده ایم که اگر يك نقص در پیشنهاد ما می بینید آن نقص را تذکر بدهید .

بموجب این قانون حق باو داده شده است که در تمام این پیشنهادات قبل باو مشورت کنیم اگر با او مشورت نکرده آورده